

در باره وحدت

با بوزش اخوانتنگان عزیز، ادامه این بحث را در شماره های آینده دنبال خواهیم کرد.

سرمقاله:

جمعه ای که گذشت

آیا حمله به صفوف نیروهایی که خواهان مرگ امپریالیسم آمریکا، آزادی و استقلال هستند جز به نفع امپریالیسم است؟

اینگونه اعمال فاشیستی نتیجه منطقی تمام آن تحرکات و دستورالعمل هایی است که به توده های ناآگاه داده می شود

بدنبال اقدام توطئه آمیز سنا آمریکا، بمباران غرضی جدا بی تا پذیر از پیکر امپریالیسم آمریکا موج عظیمی از خشم انقلابی توده های ستمدیده در سراسر ایران به حرکت درآمد. مردمی که هنوز، خون عزیزانشان برک غیاب آنها خشک نشده و هنوز شعارهای فدا امپریالیسم با خون شهدانشان بر در دیوار شهرها نقش بسته در جلو دیدگانشان است، حق داشتند چنین کنند. و انتقامی جز این نبود که خلقهای ما جواب دشمن اصلی و عامل اصلی جنایت و غارتگری چند دهه اخیر میهنشان را با خون و اشک بدهد. اما نیروها و کسانیکه منافع خود را، در جریان تداوم و تعمیق مبارزه توده های ستمدیده بر علیه امپریالیسم و ارتجاع در خطر می بینند، آنها که ترس از امواج توفنده انقلاب بطرف امپریالیسم سوشال داده است، تلاشی کردند تا در اینجا نیز مانع و سد راه باشند. آنان که کوشش کردند تا اثر این امواج خشم توده ها را خفه بکنند. آنها قاتی که در صبح جمعه در تهران و در جریان تظاهرات با زانیا چوبکهای فدا گشتی خلق و کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر انگلیس افتاد جزئی از این تلاشها بود:

چهره فاشیسم

معنای انسانی آزاده ای که کینه مقدس به امپریالیسم را در دل داشتند. و مسیر زامی بپیمو - دند تا سفاکت آمریکا رفتند و قطعه نامه خود را بخوانند. توسط اوباشان و چاقو کشانی که خود را مسلمان می نامیدند برهم زده شد. اینان که تحت حمایت جوانهای مسلح بقیه در صفحه ۲

- قیاده موقت را بشناسید
- اخبار و مبارزات کارگری
- پیام به هیات تحریریه مبارز کیهان

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه هفتم خردادماه ۱۳۵۸ بها: ۱۰ ریال

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

تظاهرات ضد امپریالیستی توسط انحصار طلبان مورد حمله و حشیانه فرار گرفت



فاشیسم در لیب خویشت، معصومیت را خاکستر کرد



غسل تعمید و دلگرمی آمریکا

این ریشخند تاریخ است که از طبقه انقلابی که طری آن توده های مردم در دود بوارهای کوجه و خیابان رامال - مال از شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" ساختند و چاشور و عزم و جان بازی بی شایه خون خود را تا تحقق این آرمان والا نمودند. آری انقلابی که هنوز شمارها از دیوار پاک نشده و توده های مردم خشم و نفرت بی پایان خود را از سر دست جها نخواستاران امپریالیسم آمریکا، با غریبهای خشک آلوده رضای میهن مان طنین انداز می سازند. صاحب معصومان، و گردانندگانی بر سر پر قدرت و ارگانهای تصمیم گیرنده و هدایت کننده نشسته اند که آشکارا و پنهان به توطئه های خود کرده با آرمانهای انقلاب پشت میکنند به تظاهرات و دین امپریالیسم نیستند، امپریالیست را به بقیه در صفحه ۲

جمعه گذشته، همه یک صدا:

مترک، سبیل آمریکا - عمو سام - در هوا آویخته است. منگنه و احتفاری که در چهارپایه است و چندش آورش، موج میزند. شما با نگر شما می تحقیری است که خلق که نسبت به آمریکا، احساس می کنند. و نفرتی است که بر امپریالیسم جهان خوار تک می کنند. پلکارها، شمارها و فریادها، آغشته به این نفرت است. و خشم مقدسی که از دل این نفرت زیاده می کشد می خواهد شما می مظهر امپریالیسم جهان خوار را در کام خویش فروبرد:

قطع کامل سلطه و نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیست، خنثی راه جلوگیری از چپاول ثروت های ملی و بهره کشی زمینکشان سی باشد

بقیه در صفحه ۳

درباره مسئله ملی (۵)

حزب توده و مسئله ملی

در شماره های پیشین تا حدی توضیح دادیم که طبقات و نیروهای مختلف جامعه با توجه به مواضع طبقاتی و پیوندهای اجتماعی خود و شعارها و مواضع متضادش را در مورد مسئله ملی ارائه میدهند. و روشن کردیم تنها طبقه کارگر قادر است مسئله خلق را در متن مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های ستم دیده حل نماید.

در این میان بررسی نظرات کلی و مواضع شخصی حزب توده در مورد مسئله ملی حائز اهمیت بسیاری است.

این بررسی همگونی نظرات انحرافی حزب توده را با کل دیدگاهها و نظرات او نشان خواهد داد. و روشن خواهد کرد که تا چه حد نظر حزب توده در مورد این مسئله نیز تسلیم طلبانه و خائنه است.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش چیست؟

در روزنامه مردم چنین آمده است که: "برای حل مسئله ملی اصول زیرین پایه عمل قرار گیرد: الف) حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش ب) شناسایی حق اقلیتی ملی ساکن ایران در برخورد با دشمنان از کسب حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود. (مردم شماره ۱ - ص ۸)

این رهنمود در همینجا به پایان رسیده است. خوب، ما هم درستی احکام بالا را تأیید می کنیم و معتقدیم که این اصول می بایستی پایه عمل در حل مسئله ملی قرار گیرد. اما بعد چی. این اصول تحت چه شرایط و چه موقعیتی می تواند تحقق پیدا کنند و آنچه آتی که در مورد ستم کشی مرکزی ادعا می کنند، بطور کامل چه نیرویی و کد ام طبقه است که می تواند چنین کاری را انجام دهد و موقعیت

۳۱ اردیبهشت ماه.

جنایت دروغش را تا فانی افتاد. ما شین آقای اصغر شیروزاد برادر خوانده شش ساله که در روز ۲۰ کار گذاشته شده بود، منظر شد و "کمال" کودک سه ساله که در ماشین پدرش خفته بود، بطور فجیع و تکان دهنده ای سوخت. و در برابر برهمنان حیرت زده پدر و مادرش و در فانی آگشته از نفرت بر علیه این جنایت کشید، در گذشت.

شبهه کوچک، کمال شیروزاد، جرافانی شد؟ تنها گناه او این بود که در ماشینش نشسته بود که گناهش را علفی و اجتماعی را به کتا بطور وحشی حمل نیکرد. و تنها این دلیل کافی بود تا فاشیستها و مرتجعین، کسه برهم تنگین مبارزه با آزادی و آزادیخواهی را بر داشته اند. و با آزادی تمام، و فحاشانه میخوانند، او را بکش کنند.

پدرش میگوید: "من نمیخواهم آمریکای فرزندم! افسانه سازی با تاریخ نویسی کنم. اما مرگ فرزندم تاریخ زنده کشورمان است. کشوری که مردمش با افتخار و یگانگی دشمنان خود را شکست دادند، و امروز پس از پیروزی هر روز شاهد تحریکات و توطئه های دشمنان فکست و خورده مستقیم، دشمنانی که سعی میکنند هر روز با لباس و پوششی نو بر ضد نیروهای مبارز که هدفی جز پیروزی و رفع نا بسامان مردم ندارند، توطئه کنند."

و این عمل فجیع، سندی است تا و بیجی بر جانیست. بیجی و ارتجاع. آنان که دست با این گونه فجایع میالانند، متعلق بهر دسته و مرامی که باشند، شما آب در آسیاب امپریالیسم و ارتجاع می ریزند. آنان در سبک گلام خدا نلایند.

شما ت کمال کوچک و معصوم، طبقه تا فوس منگر آوای فاشیسم را راستر می کنید، و شن کوچک ذغال شده اش گواهی است بر لزوم وحدت تمام نیروهای آزادیخواه و مترقی در مبارزه با ارتجاع و فاشیسم.

تنگ و نفرت بر ارتجاع و فاشیسم

جمعه‌ای که گذشت...

ادامه از صفحه اول
درون جیب‌های ارتشی عمل می‌کردند، حداقل ایمنی شناسایی را به دست می‌دادند که از جانب قدرت رسمی کشور آشکارا حمایت می‌گرفتند. آنها که تحت حمایت افراد مسلح و به کمک بیمه‌های دینی و تکرارناستار و ایراد ضرب و جرح مبارزین توانستند موقوف ظاهر - کنگدان را چند باره کنند و مانع از رسیدن آنها به سفارت شوند، بخوبی موفق گردیدند که چهره زشت و کینه انحصار طلسمی و فاشیسم را بنمایش گذارند؛ برای آنها همین رسوایی پس‌که نش‌های غوغایی، دل‌های آزرده و لب‌هایی که مرتب‌نماز " اتحاد، اتحاد، زمین‌گشایان اتحاد " را می‌داد... تنها عکس‌العملی بود که از نیروهای آزار دیده مشاهده کردند...

بدیهی است این نتیجه منطقی تمام آن تحریکات و دستورالعمل‌های آشکاری است که به‌توده‌های ناآگاه داده می‌شود. اما برآستی تا کی می‌توان این روش را ادامه داد؟ سردمداران این جریان تا چه جواب قانع کننده‌ای برای توده‌هایی که شاهد بی‌طرفی این اعمال هستند دارند؟ آنها چه پاسخی به تاریخ خواهند داد که به دلیل بی‌طرفی‌هایشان را که به سمت سفارت آمریکا حرکت می‌کردند و جز مرگ امیرالیم و آزادی و استقلال نمی‌خواستند، رسد کردند و آنها را چند تنه کردند؟ افراد شرکت‌کننده را مغلوب ساختند... آیا آنها با این کارها جز امیرالیم آمریکا را خوشال کردند آنها چه فکر کرده‌اند، آنها خیال می‌کنند تا چه حد خواهند توانست مقدرات و مصالح خلق‌های ما را این چنین به بازی گیرند؟

اما در این روزها، این کوشش برای ایصال نفاق در صفوف خلق، برای هدر دادن نیروی لایزال توده‌ها در راه قطع نفوذ امیرالیم، از طریق دیگری نیز تکمیل می‌شد.

تظهِیر امیرالیم آمریکا، توسط سخنان عوام - فریبانه ژورنل‌های خارج و دولت موقت یک نمونه از این کوشش است. ایشان که گویا از اوج گیری مبارزه توده‌ها بر علیه آمریکا در هراس افتاده بودند سعی کردند با برگ کردن چهره امیرالیم آمریکا چشم توده‌ها را فرو بخوابانند... تا بدین ترتیب (چشم بخوانند و چه نخواهند) راه را برای به انحراف بردن توده‌ها از مبارزه با امیرالیم و ارتجاع جمع شده بودند باز نمایند تا بدین ترتیب با رانشان سهولت بتوانند ضمن این روز جمعه را بپای آورند، و سرانجام نوبت صدا و سیما جمهوری اسلامی بود که تلاش نماید نقش و اهمیت شرکت‌نیروهای چپ را برآورد از آنچه که بود کم اهمیت تر نشان دهد و مهمتر از آن بر نمایش متجزر کننده‌ای که فاشیسم و انحصار طلسمی آفریده بود سربوین گذارد و با بی‌مبارت‌بهرت تا شد کند و بدین ترتیب واقعیات را آشکارا قلب کند، با این عنوان که گویا " چون عده‌ای از طایفه کنگدان (مذهبی) شمار مرگ بر آمریکا را کافی نمی‌دانستند و معتقد بودند که باستانی شمار مرگ بر آمریکا و چین و شوروی را داد کندی‌ها نیز به نظر اهرات چریکی‌های فدائی پیش از زدنند " (نقل به معنی از گفتار رادیو ایران)

هر ناظر منطقی میدانند که معنی واقعی این سخن " کندی " چه بود؟ ... باید از مسئولین این مومسه ساز و تحریف واقع برسد شما بطور در تحریک مردم و تشویق آنها برای حمله به نیروهای چپ بلندی آشکارا و سی پرده سخن گوید. اما شما مت‌این را ندانید نتایج نوم این تحریکات و تشویقات خود را نیز همانطور که اتفاق می‌افتد بازگو کنید. اما واقعا اگر در مقابل این همه اوباشان و اخلاک‌گرا متکوک، آن سکوت و متانت و بردباری آزاد منشانه نبود این مومسه دروغ و فریبچه‌ها که نمی‌گرفت؟

وظیفه نیروهای م.ل.

اما آنچه در رابطه با این روز به نیروهای م.ل. بر می‌گردد چیست؟ ... اینکه آنها توانسته بودند انقلابی ترین و برعکس آنچه به تازگی از جانب قدرت حاکم و روبریونیت‌های تبلیغ می‌شود - عملی ترین - شمارهای شایسته یک انقلاب را که تحقق آن هنوز جز آرزوهای توده‌هاست به خیابانها بیاورند، بخودی خود امر بسیار خوبی بود. این که آنها شمارهای را بر چهره‌ای افراشته خود عمل می‌کردند که اکثر آنها قبل از قیام پرتکوه بهمن نیز (در زمان شاه فاش) به

خیابانها می‌آمد، بخودی خود افتخارگانه بود و نشان میداد که در این انقلاب توده‌های شمشیده واقعا چه بدست آورده‌اند... نشان میداد توده‌ها یکدکام یک از خواستهای قبل از قیام خود رسیده‌اند... اینکه نیروهای م.ل. توانسته بودند ده‌ها هزار نفر از توده‌های انقلابی و دمکرات را حول شمارهای خود بسیج سازند به تنهایی قابل تحسین است، اینکه این نیروها توانسته‌اند چهره و ماهیت واقعی روبریونیت‌ها و درآش‌ها حزب توده را تا آنها افشا سازند که آنها را از موقوف خود برانند و آنها را درست‌ها نشان بفرستند که باید بروند (به دنبال بورژوازی) خود امروطلوبی است. و اینکه آنها توانستند با متانت و بردباری در مقابل حملات فاشیستی چهره انحصار طلسم را بیش از پیش در نزد عده باز هم بیشتر افشا سازند... همه و همه در مجموع جنبه‌های مثبت کارشمارهای م.ل. در این روز بود. که با پستی باز حرارت و باقوای بیشتر باز هم ادامه باید، و به هیچ وجه حملات فاشیستی بهانه عقب نشینی و در جا زدن نگردد. چرا که فاشیسم حملات خود را بر اساس یک محاسبه تاکتیکی، نظیر آمدن با نیامدن این یا آن نیرو به میدان، یا عده کم یا زیاد، بلکه بر اساس یک دید استراتژیک سازمان میدهد و در این راه حتی وجود نیروهای م.ل. نیز گاه برایش بهانه است بلکه او در پی غلبه یا ساختن بر نیروی دمکرات و انقلابی است. بنابراین برای عقب نشینی تا جای سنگی از آزادی را برآتی در اختیار او می‌گذارد و او را سر - مست تر بجلو میراند...

اما برای تصحیح انقلاب، برای بشمر رساندن مبارزه خدا امیرالیم و دمکراتیک خلق، برای منوی و آختن و افشای هر چه بیشتر روبریونیت‌ها آنها تنها همین کارها کافیست؟ بررسی همه جا نشد تر عملکرد نیروهای م.ل. در این روز می‌تواند بحث‌های گسترده‌ای از حقایق را باخ گو باشد.

عدم همبستگی نیروهای م.ل.

۱ - در این روز همه شاهد بودیم قبل از اینکه فاشیسم با افعال زور و قلدی موقوف نیروهای م.ل. را چند باره کند، این نیروها خود، آگاهانه (به میل یا به اکراه) نیروهای خود را از هم جدا ساخته بودند. این واقعیت چه چشم اندازی را در مقابل فروروت همبستگی و اتحاد نیروهای م.ل. در پیش روی ما می‌گذارد؟ اگر آنها شیخواعت و یا نمیتوانند در مورد مشخصی (این چنین) که راه برای همبستگی باز است، به وحدت عمل برسند، چه سرنوشتی را باید برای وحدت و همبستگی انتظار کشید؟ آنها که تمایل و اراد دارند از ابتدا موقوف را از دیگر نیروها جدا سازند واقعا چگونه قادر خواهند بود چند دمکتر انترفر در مقابل هجوم انحصار طلسم دوام بیاورند؟ و آیا این تاکید دیگری بر فروروت همبستگی و وحدت نیروها نیست؟

کلید اساسی

۲ - اینکه نیروهای م.ل. شرکت‌کننده در راه‌پیمایی جمعه توانسته بودند جمعیت نسبتا وسیعی از توده‌های دمکرات و آگاه و انقلابی خلق را حول شمارهای خود گرد آورند - که به جای خود قابل تحسین است - چگونه می‌توانند ادامه کاری خود را ضمن شایسته

جواب به این پرسش چندان مشکل نیست در شرایطی که جامعه ما وارد مرحله نوینی از حیات خود شده است در این شرایط نیروهای م.ل. تنها از طریق جلب هر چه بیشتر زمینگشان و سمت خواستها و شمارهای طبقه کارگر است که میتوانند به شکل و بسیج افشار نزدیک به پرولتاریا و روشنفکران انقلابی نیز موفق گردند و آنها را در اتحاد با پرولتاریا نگه دارند. و روز بروز به جلب و بسیج بیشتر افشار دمکرات جامعه ناآل آیند بدون توجه به این مهم نیروهای م.ل. نخواهند توانست نفوذ توده‌ای خود را گسترش دهند.

با توجه به این مهم قابل بررسی است که واقعا در نظرات روز جمعه چند روزه جمعیتی که توسط نیروهای م.ل. بسیج شده بودند از زمینگشان بودند کولما چقدر کارگر در این نظرات شرکت کرده بود؟ ... آنچه توجه به آمار پاشینی که در این مورد بود چه باید کرد؟ آیا غیر از اینست که با پستی قبل از هرگونه خود نمایی، قبل از هرگونه خوشحالی کلید اساسی را بدست گرفت، هر چه بیشتر بطرف توده زمینگشان رفت؟ مسلما بدون درک این مسئله حیا نشی همچنان گروه‌گرا‌ها و کتاکریسم موج دادا می‌پیدا خواهد کرد و مسلما موقوف م.ل. ها بارها و بارها جدا گانه مورد حمله انحصار طلسم و فاشیست‌ها قرار خواهد گرفت...

ادامه از صفحه اول غشیل تقمید...

آینده ای تابناک و تادام گذشته پرفروغ و پریشان امید - و آروم لگرم می‌سازند. دکتیزی وزیر امور خارجه یکی از سران " انقلابی " می‌گردد! آمریکا اطمینان نمیدهد که جمهوری اسلامی در چاقوب صالح و وسائل دوکتسور آماده همکاری است. (اطلاعات ۵۸/۲/۴) در این میان بهانه اینست که آمریکا نظرات آگاهانه‌ای داده که از نظر اقتصادی و دیرمختی دگرگزینه‌ها حتی در روستای نظامی هم حاشیه همکاری است. (همانجا) وزیر انقلابی ما اگر از روی قصد نباشد، از روی ساده لوحی که ما از روی آریم همینطور هم باشد - فراموش می‌کند که امیرالیم تنها در راسان امیرالیم آمریکا در سراسر دنیا بطور عام و در رسته‌ها بطور خاص همواره تحت پوشش " همکاری " و در چارچوب مسائل و مصالح دوکتسور بود که حاکمیت شوم خود را به تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی کشور رها کرده، و بهرجهت به بهانه‌های تروتسکی ملی و بهرگشتی و استعمار و اسارت مادی و فرهنگی توده‌ها پرداخته اند. گردرد و این رژیم پهلوی امیرالیم به همین ماسک‌های غشیل ظاهریا ظاهریه " احترام به استقلال و حاکمیت کشور " شود که شیره ارجان توده‌های مردم می‌کشد و کشور را به بی‌ثباتی و بی‌پایایی خود و نوکران جیره خواریش را بر می‌گرد؟ آیا دکتیزی در نصفه کادر و اینجاسخن برسر " اظهار آگاهی " یا احترام به استقلال و... نیست بلکه اصل مطلب با همین وضوح روایت است. امیرالیم آمریکا آنجا که تا بهین منافع انحصارات امیرالیم را دنبال میکند و دنبال می‌خواهد کرد، تحت هر عنوان و هر تعامیل انسان دوستانه ای که باشد، همواره در همان فز رنگرانه و استعمارگرانه داشته و دارد.

آیا وزیر انقلابی ما این همه وضوح و اشاعت را نمی‌فهمد و این گذشته که چندان در برابر آگاهی فراموش کرده است؟ یا اینکه خود را عده به آزار معروف میزند؟ باید گفت که در سایه همین فراموشکاریست که از پس ده‌ها هزار شهید و مبارزه ای سرگرم و پمانده، هنوز شعله‌های انقلاب خاموش نگشته، هنوز فتنه‌ها از زبانی تابناک نمانده، امیرالیم بلندگوهایش با شتاب و اطمینان خاطر دست به پوش طبع انقلاب می‌زنند و آنرا تحفه می‌کنند در این حال دکتیزی وزیر خارجه انقلابی ماکر هفت بسته به توجیه و تفسیر اقدامات امیرالیم رویت و روشنی کاری آن و قابل قبول ساختن برای توده‌های مردم بردارد. چه توده‌ها موقوفه بیکند که آنرا از نظر گذشته از قوه مجریه جداست و چنین قطعنامه را تصویب و ولت امیرالیم را برآورد دولت ایران نیست. (همانجا) این حرف او درست مثل اینست که گویا سرگرمینو تا جد آید و دست‌ها و پاهاش باشد، اونقدر آنرا بهر حال نمی‌خواهد به توده‌ها بطوریکه نداند که مجموعه سنگ‌های فشاری و اجزایی و اداری و... در آمریکا سیستم و کالبد واحدی را می‌سازند که در خدمت تمام منافع سرمایه داران آمریکاست. قوه مقننه قوانین را تصویب میکند و قوه مجریه آنرا به نفع سرمایه داران به اجرا در می‌آورد. همچنانکه مفریک‌تقریر می‌گردد و زبان باها و دست‌هایش آزار اجرا در می‌آورد. بهیند آگاهی دکتیزی بجای اینکه به خواستهای انقلابی توده‌ها پاسخ گوید و کلیه قرارداد‌های اسارت و سوار امیرالیم را با رژیم سابق فاش ساخته و بطور قطعی لغو کند، بجای اینکه سرمایه‌های امیرالیم را که همه در جهت بهره‌گشتی و استعمار توده‌ها و فطارت و چپاول تروتسکی ملی است، ملی اعلام کند، بجای اینکه جنایت‌های امیرالیم و شکنجه‌های امیرالیم را و خشیت‌ها و انقلابیون را توسط ساواک در مطبوعات و رادیو تلوین و... به معرض نمایش گذارد و... بجای اینکه توده‌ها را بهرجهت بهشتی‌ها و مملکت فارت‌گرانه، فاشیست و استعمارگران امیرالیم آغشانند و آگاهی آنها را هر چه بیشتر عق و وسعت ببخشند، آری بجای همه اینها برآورد اسات چایکتارانه و استعمارگران چندین ده ساله را برآورد اربان برده می‌کشد و جنبش ضد آمریکایی - البته نه امیرالیم - را در تهران (و آنهم نه در سراسر ایران) ناشی از روابط " حسنه " امیرالیم قلد امیکند (صاحب ما بجله تا می) به کالبد نیمه غایب امیرالیم جانی تازه می‌بخشد و درصاحب بهارالد ترپین اطمینان می‌دهد که هر چه زود تر سفیر جدید آمریکا به تهران برگردد. این سرخوردن مبارزات توده‌ها و متعجبانه تا زبانی و آرمائهای مقدس آنهاست.

آری باید گفت که این بطور حتم باید که ریشخند تاریخ باشد که برای چندین بار در تاریخ ایران این چندمین بار است که این چنین بهرجهت توده‌ها را به سخره می‌گیرد ولی باید گفت که این با حرکت تاریخ - فراغ رهبران بظاهیر پیروزی تیره و تیره، و تاوانی و... آنها را بر ملا خواهد ساخت و آن زمان توده‌ها پیروزانته از بطن مبارزات قدرخواهند آشراست.

ادامه از صفحه اول
" مستشار نظامی ، اخراج باید گردد ، منابع وابسته ، ملی باید گردد " " مرگ بر امپریالیسم جهانی ، سرکردگی امریکا " " پیمان با امپریالیسم ، الفا باید گردد " " پیروزی نهایی ، اخراج امریکائی " " مف عظیم خلق ، که خشناک ، با فریاد " مرگ بر امریکا " ، پایه زمین می گوید ، رو بسوی سفارت امریکا دارد ، تا در آنجا امپریالیسم امریکا را به محاکمه کند . و به زوزه های سنای امریکا ، این ترمیم ن امپریالیسم جهان غوار ، با فریاد رعد آسا ، پاسخ گوید ، لیکن می داند ، که تنها ظاهرات چاره کار این غارتگران نیست ، بل ، باید که امپریالیسم در تنهای مظاهرش نابود شود .

از با تنها پیروز رود ، جنگالهای خود را از منابع ما ، که بوسیله شرکت های چند ملیتی ، عمده ترپسین وسیله عملکرد سرمایه انحصاری جهانی ، سرمایه های وابسته و مهره های خویش بر آن پنجه انداخته است ، بیرون کند . قرارداد های امپریالیستی مجاله و بدور افکنده شود . ارتش از مهره های امپریالیسم تصفیه گردد و پایه شوم آن از فرهنگ ما برگرفته شود ، و می داند که آنچه به مظل و دوام این سلطه شوم باری می کند ، فقدان قاطعیت انقلابی ، در بر کشنده ریشه های امپریالیسم ، و خلقان و سانسوری است که خلق را از آگاهی به ماهیت امپریالیسم باز می دارد .

" اسارت آزادی ، اسارت خلق است " " انجمنها و شوراهای ایالتی و شهری کامی بزرگ بسوی دیکراسی می باشد " " آزادی مطبوعات تا من باید گردد " " جوع اعدام خلق جواب بد خلق است " " استبداد به هر شکل محکوم است "

آری باید اقدامات انقلابی قاطع انجام گیرد ، بگذار امپریالیستها اکت تصاح بریزند . بگذار از دهان کشیشان که تا بحال به قهقهه باز بوده است با آوای مرگ بسته شود . بگذار کسان تلخ گردد . دوره احتضار آنهاست . این حقیقت را نه تنها خلق ما ، بل خلق های ستمدیده سراسر جهان فریاد می زنند و خلق ما در مبارزه علیه امپریالیسم ، در کینار آنهاست .

فشار ، فلسطین ، متحد خلق ما " " مف به پیش میروید . گام های استوار و مبارزه جوانان اش ، غیابانها را می بلعد ، و مشتاقان کرده در آسمان ، پوزه امپریالیسم را نشانه رفته است . جمعیت فریاد اتحاد سر میدهد ، بغویی میداند که جز با اتحاد نمیتوان دشمن حیل را نابود کرد . و - بهمان خوبی - دشمن هم اینرا میداند . و به این خاطر سعی میکند ، از تمامی جوانب به طرفه دامن زند ، و نا آگاهی توده در قند بلبلد ، به او کمک میکند . و ما بیرونی این واقعیت را می بینیم . در وجود ملی که مقابل نظر حرکتگان غد امپریالیست می ایستد ، ماجرائی که از فرط تکرار ، کهنه شده است . هر کجا که فریاد از تشییع دستاوردهای انقلاب است . و هر کجا که خلق طمیده میشود . این توده نا آگاه را می بینیم . با دشمن خوشی بی دلیل و نا آگاهانه ، که خود نیز نمایی داند ، رو به چه سو دارد . و این داستان ، آنقدر به ابتدال گرا شده است که خود یکی از این جفا ق بدستان نوع جدید ، اذعان داشت که کافی است یک شعار " مرگ بر کمونیست " سر دهد تا در آن واحد ، جماعتی که با همه کوچکی خود ، بسبب همان دشمن خوشی لجام گسیخته ، قادر است جمعیتی عظیم را از هم به پاشد ، گرد آید . و این شعوب آور نیست ، توده نا آگاهی که شب و روز از طریق " مدا و سیمای انقلاب اسلامی " ، تحریک میشود . و بر علیه دشمن موهوم بسیج میگردد ارتش با القوه فاشیسم نوپاست . و تنها یک شمار کافی است تا روانه میدان جنگش نماید . و آنچه که در این میانه از یاد میروید ، امپریالیسم است .

بگوشتی از محمله میشود ، یک نفر که رهبری حمله (!) را بر عهده دارد مجهز به بمب ، جمع را هدایت میکند ، پیچ گوشتی ها و چاقوها بیرون می آید . مشت ها نیز ، بمب ها به هوا میروند ، پلکاو را باره میشود . و از آنسو ، تنها پرهیز از برخورد و درگیری .

در گوشت و کنار ، دسته دسته به بحث می ایستند فحشهای رکیک و الفاظ قبیح است که در دفاع از " دین " بر زبانها جاری میشود . چند خانم که چادر تنگی بر سر دارند ، همراه با دو سه جوان می میکنند عده ای از محله کنندگان را قانع کنند که این گونه اعمال به هر دینی لطمه میزند ، و اموال غلال هر آشنی است

بیات تحریریه مبارز کیان

شماره ۵
۷ خرداد ۵۸
پیکار

دروما را در یازدهمین روز اعضاستان ، در یازدهمین روز مقاومتان در برابر زور و قلدری بهیذیرید . توطئه و بدعتال آن بورژوازم غد آزادی و عمال آگاه و بانا آگاه ارتجاع به کینان ، این روزنامه فرگیر و اشغال آن چیزی نبود که ، بهموقع بدعتال اشغال را دیو و تلویریون و تشمیل آبدنگان ، امر غیر منتظره ای باشد و اواقع ، اشتباهی سیری ناپذیر انحصار طلبان از آنجا که مرزی نمی شناسد ، جز مدا و سیمای خودش تحمل هیچ چیز و هیچ کس را ندارد .

ما ، اعمال غد دیکراسیک و غیر انسانی کسان را که قلمها را شکسته و دهان ها را دوخته می خواهند ، محکوم کرده و اعتقاد را رخ داریم که خلق دلاور ما اجازه نخواهد داد که بار دیگر ، فاشیسم در مین ما پایه گستر شود . خلق ما اجازه نخواهد داد که انحصار طلبان ، عناصر مؤمن به انقلاب و آزادی را که رژیم غد را شاه آنها را مدتها در زندان مورد آزار و شکنجه قرار داده و حتی کمر به قتلشان بسته بود ، تحت پوشش مردم فریب " فدائقلاب " سرگوب نشاند . مقاومت و ایستادگی شما خود گواه این واقعیت است : این ایستادگی درسی است برای همه آنان که دل در گرد آزادی و آزادی دارند و نمی خواهند دوباره در شرایط سالیان سیه گذشته زندگی کنند آزادگان پیروزند . پیروزی از آن ماست .

قسمتهایی از : قطعنامه راهپیمائی اعتراض به سنای آمریکا

امپریالیسم آمریکا بمشابه سرکرده امپریالیستهای جهانی دشمن خوشی تمام خلقهای جهان است . توده های ملی نیم قرن گذشته بخصوص در بیست و پنج سال اخیر که زیر سلطه بی چون و چرای امپریالیسم بوده اند میدانند که مبارزه با این دشمن غد و شریت تا چه حد برای رهاش آنها از قید ظلم و ستم اهمیت درجه اول را دارد . در جریان این انقلاب هر چند نظام سلطنتی محو و نابود شد و امپریالیسم غربت سختی خورد ، اما بدلیل این که در این انقلاب طبقه کارگر نتوانست در رأس قرار گرفته و رهبری جنبش را بدست گیرد انرژی و قدرت توده ها و فشار انقلابی آنها در جهت نابودی طبقه امپریالیسم به ثمر نرسید ، بطوریکه امپریالیسم آمریکا درست به اعتبار همین موضوع توانسته است تا بحال منافع عظیمی از مجموعه منافع غیر قابل تصور خویش را در مین ما از خطر سبیل بپناهن کن انقلاب توده ها در امان نگه دارد .

ما در ایستادگی جماعت همدا با کلیه توده های ستمدیده و مبارز خلق اعلام میداریم که :

- ۱- توطئه و چار و جنجال سنای آمریکا که در جهت توطئه و محکومیت احکام مادره از دادگاه های انقلاب مورت گردفته است محکوم و مورد نفرت و انزجار خلقهای ماست .
- ۲- ما محور تحریک آتمیز ناوگان آمریکا را در خلیج فارس محکوم میکنیم .
- ۳- ما خواهان ادامه مجازات و اعدام انقلابی سرپرستان اصلی رژیم سابق هستیم .
- ۴- ما خواهان ایجاد اردوگاه های کار برای کلیه عوامل باقی مانده ساواک و افراد مقصر نیروهای انتظامی و نظامی و اداری رژیم پهلوی هستیم . و معتقدیم که این عناصر تا اصلاح کامل با سیمای تدریس در این اردوگاه ها به کار تولیدی و مفید نظام با آموزش انقلابی و محیط سالم و انسانی نگا هداری شوند .
- ۵- ما معتقدیم که توطئه های شوم امپریالیسم در دراز مدت زمانی میتواند بی اثر گردد که سلطه و نفوذ امپریالیسم بخصوص امپریالیسم آمریکا بدون تردید و تزلزل نابود گردد . بر ای خلقی بخشیده به این امر :

الف : ما خواستار لغو کلیه قرارداد های اسارت آور سابق نفتی ، با امپریالیست ها و بستن قرارداد های جدید بر اساس منافع مردم ستمدیده ، ایران هستیم .

ب : ما خواستار لغو قرارداد و ملی کردن کلیه بانکها و شرکت های صنعتی و بازرگانی و عظیماتی و زراعی و سایر مؤسسات امپریالیستی و دلان داخلی آنها سفغ خلق و از بین بردن تمام زمینهای وابستگی و استعمار پیروزمندیم

ج : کنترالن وحدت دروازه آزادی طبقه کارگر

سود قصد بهجت الاسلام ناشی رنجبانی را محکوم میکنیم!

در شرایط کنونی هر مبارز راستینی بغویی آگاه است که انقلاب مادر نیمه راه است و پیروزی نهائی در مرحله کنونی انقلاب تنها زمانی بدست می آید که به سلطه و نفوذ امپریالیسم پایان داده شود و ارتجاع داخلی نابود گردد .

یکی از ضروریات اساسی رسیدن به این پیروزی نهائی ایجاد و حفظ همبستگی و وحدت مفولذلق در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع است . درست بغاظر همین مهم است که تمام نیروهای مارکسیست - لنینیست و انقلابی و دیکرات خلق تلاش میکنند که وحدت و همبستگی نیروهای خلقی و یکپارچگی صفوف مردم ستمدیده را حفظ کرده و آنرا تقویت نمایند .

اما در چنین شرایطی کوششهای وسیع دیگری درست در جهت عکس هدف فوق در جریان است . این تلاشها هر چند در اشکال مختلف صورت میگیرد ، اما همه در یک محور میگردند و آن منحرف کردن ذهن توده ها از ستم علی مبارزه است . این کوششها ، هدف ایجاد دلتا در میان صفوف خلق را دنبال میکند و بر آن است که با به بیراهه کشادن شور و شوق انقلابی توده های ستمدیده ، آنها را از رسیدن به آزادی و استقلال کامل باز دارد . بدین ترتیب این تلاشها جز در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار نمیگیرد .

دست زدن به ضرور و اعمال غشونت و غریب و جرح افراد ، جزئی از این تلاشهاست . سو قصد تا سلف انگیز به جست اسلام هاشمی رفسنجانی ، نمونه این قبیل کوششهاست که چیزی جز آب آسباب امپریالیسم و ارتجاع ریختن نیست این سو قصد قبل از اینکه سو قصد به یک شخصیت باشد ، سو قصد به منافع مردم ستمدیده ماست . و به همین لحاظ توده های رنج دیده ما از آن بیزارند . ما همچنانکه در قبل نیز اعلام کرده ایم اینگونه اعمال تروریستی را بدست محکوم کرده و نسبت به بهره بردارهای فریسکارانه ای که این عمل میتواند بدعتال داشته باشد به تمام نیروهای راستین خلق هشدار میدهم .

برقرار باد همبستگی نیروهای خلق

سازمان پیکار دروازه آزادی طبقه کارگر ۵۸ / ۳ / ۵

مبوظان مبارز ۱
نگامی مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک
صادرات ایران - تهران شعبه امریکا جنوبی ۱۳۶۹
واریز نمایند .

تصحیح :
در شماره قبل ، در گزارش " نظرات سر تا سر " بردن نام " " بجای " طلیان " یعنی " نوشته شده بود " اسماعیل شریف زاده " که بدینوسیله اصلاح میشود .

آنها ظاهرا قانع شده اند اما چند قدم آنرا فتر ما چرا را از سر میگیرند . بنظر میرسد که قضیه قدری هم " بابت " مشغولیات است !

محمله کنندگان آنقدر تحریک شده ، که حتی شخصیتی رفیق یک روحانی نیز دردی را دوام نمیکند . بد جلوی مف نظا حرکتگان غد امپریالیست شکسته نمیشود شمارها و توهین ها ادامه می یابد و کشاکش میبشود جریان دارد . تا گزیر قلمنا مه ها ، بخش میشود . جمعیت از هردو ، پراکنده میشوند ، خسته و آزارده . آتسوی خیابان ، روی سنگفرش ، دهان مشترک به غنده ای کشیف ، باز شده است .

ادامه از صفحه اول
بفردی اپورتونیستها متفحص و رسوا گشتند که امروزه هر شخص و هر نیرویی که خود را گنجه‌ای می‌نامد، نمی‌تواند لاف‌ها و دروغ‌های شعار را تا به حد ننگ و بران صحنه نگذارد، اگر همین روز در شرایط کنونی مسئله شناسائی «حق‌طلب‌دور» و «تنهایی» نمی‌تواند. وجه تمایز مارکسیسم-لنینیسم و اپورتونیسم باشد. امروز همه بظواهر طرفدار پروراضی حلال مارکسیستی مسئله ملی می‌باشند و با حرارت و جادو و جلال فراوان از حلق در تعمیم سرنوشت خفیه دفاع می‌کنند. ولی آیا این بدین معناست که دیگر حد و مرز بین اپورتونیسم و مارکسیسم - لنینیسم از بین رفته است؟

اپورتونیستها و رویونیستها از این شعار دم می‌زنند برای اینکه حرفی زده باشند. ولی بهیچوجه از شرایط تحقق واقعی آن و طبقاتی که رسالت و وظیفه انجام بگیرانند چنین امری را بهیچ وجه ندارد. سخنی پیمان نمی‌آورند و صلاح خود را در این نمی‌بینند که در این باره سکوت کرده و سیر در لاک خود فرو برند. باید گفت که امروز حد فاصل بین مارکسیسم-لنینیسم از یکسو و اپورتونیسم و رویونیسم از سوی دیگر در فاصل مسئله ملی درست در همین جاست و با هم معیار می‌توان تشخیص داد. ادامه منطقی و پیوسته چنین روش و سیاستی را در سطر و سطر نوشته‌های حزب توده می‌توان دنبال نمود. و حال که به اینجا رسید فاسم لازم است قدری هم روی «خود مختاری» که در گذشته کمپت مرکزی طرح می‌کنند مکتب نماییم.

حزب توده چگونه از استقلال تمامیت ارضی خود دفاع می‌کند؟

آنها در این باره «خود مختاری اداری و فرهنگی در جابجای و بدست ملی» را حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی (مردم شماره ۱-۳) را مطرح می‌کنند. در اینجا سخنان خود مختاری در جابجای تمامیت ارضی است و حتی غلبه «فئودال» زمینداران و سرسیردگان رژیم مملوک شاه» می‌پذیرد شده و آنها را محکوم به تجزیه طلبی می‌کند. این شعار از نقطه نظر نفی تجزیه طلبی در ظاهر امر اصولی و درست و خالی از اشکال منطقی رسد چرا که شرایط واقعی تاریخی ایران حفظ تمامیت ارضی کشور را برای نابودی کامل فئودال و نفوذ امپریالیسم لازم و اجتناب ناپذیر بوده است و کلیه نیروهای ضد امپریالیسم و بخصوص مزدوران فئودال کارگر به این امر اصرار می‌ورزند. اما در این شعار صافه عده و اصلی که در ضمن این تمامیت ارضی است و نیز گاه از نظر در مانده و از قلم افتاده است. بدین معنی که آنها می‌توانیم حتی یک فئودال و زمیندار و... پیدا کنیم که در حرف مخالف تمامیت ارضی و موافق تجزیه طلبی باشد. مسلماً خیر. چرا که در این صورت آنها نخواهند توانست در بین توده های مردم نفوذ کرده و خود را «جبهه انطباق» نشان دهند. آنها در این صورت نخواهند توانست از نیروی توده های مردم در جهت افعال و اهداف تجزیه طلبانه و استعمارگران خود استفاده کنند.

نیروهای ارتجاعی در حرف طرفدار و داشته تمامیت ارضی می‌باشند ولی این امر بهیچوجه مایه تجزیه طلبانه آنها را نمی‌کند. واضح است که شعار خود مختاری در جابجای تمامیت ارضی به تنهایی نمی‌تواند متضمن و متحرک کننده واقعی موضوع باشد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که چگونه می‌توان به این مسئله پاسخ داد. چیزی که فئودالها و زمینداران بزرگ از آن عاجزند و این امر تعیین کننده زمین است. تنها شعار خود مختاری همراه با ارائه راه حل مسئله ارضی بسجده هفتان در مقابل زمینداران است که می‌تواند توده ها را از زیر بار تلاشهای توطئه‌گران و نفوسهای های خوش الحان تودالها و... رهایی دهد. نمی‌تواند بطور واقعی تمامیت ارضی را نیز تأمین کند. باری به اصل موضوع برگردیم.

خود مختاری آری، ولی از چه نوع؟

مارکسیست - لنینیستها شعار خود مختاری را برای این طرح می‌کنند که توانده طبقاتی ایران را بصورت ملت کاملی قوام دهد آنها بتوانند سرنیزه های سکوت خود را به واحد اتحادی هدایت و یکپارچه تبدیل سازند. آنها می‌توانند که «شرایط» تمامی سیاسی و فرهنگی که ملت غرضی را احاطه می‌کند آنه کلیه حل این مسئله است که چگونه این یا آن ملت باید زندگی و در ترتیب دهد و تکیلات آید آن چه شکلهای باید بخشد. بود بدین ترتیب ممکن است که در مورد هر ملی راه حل مخصوصی برای این مسئله لازم آید. (استالین - ملیت ص ۵۷)

آنها معتقدند که تنها تحت این شرایط است که می‌توان ستم ملی را بر واقعی و قطعی برانداخت و بطور مکرر در مکرر تفاوت این خود مختاری را با انواع خود مختاریهایی که از سوی بورژوازی و خرده بورژوازی و فئودالها و... پیش کشیده می‌شود، تذکر می‌دهند. چرا که این نوع خود مختاریها همه سیاست و همه در جهت انکار موجودیت ملی خلقها و ادامه سیاست شوینستی سابق و... می‌باشد. آنها اینکار را می‌کنند تا ذهن توده ها را روشن سازند چرا که چنانچه میدانیم تمامی طبقات از شعار «خود مختاری» دفاع می‌کنند ولی آیا این امر تفاوتی اساسی و اصولی این شعارها را می‌تواند نشان دهد؟ آیا اطلاقی لفظ مشترک «خود مختاری» می‌تواند بر اهمیت طبقاتی متفاوت و متضاد می‌کند که این شعارها دارند و در پشت

حزب توده و مسئله ملی

آن اهداف و منافع طبقاتی گوناگونی دنبال میشود. پرسه انگند؟
واقعیت این است که غیر... اما حزب توده خود را به خود مختاری اداری و فرهنگی دلخوش میکند. او بر سر ستم شرایط ویژه زندگی هر ملیت مستقل و جداگانه را که همه در ایران زندگی می‌کنند و از یاد می‌برد. او همچنین فراموش می‌کند تفاوت محتوی و ماهیت خود مختاری از دیدگاه کارگر را با دیگر طبقات شرح دهد. آیا علش فراموشی آنهاست؟
روش و سیاست ریزمر و تبلیغ و ترویج که حزب توده در باره مسئله ملی میکند بوضوح نشان میدهد که او فراموش نمی‌کند بلکه به عداد از قلم می‌اندازد. آنها فقط و فقط برای «تنهایی» خود مختاری که تمام طبقات و حتی «صاحبان قدرت» نیز آنرا قبول دارند. «مبارزه» میکند و نه برای محتوی و اصل آن. بهتر است به جملات زیر نظری بیاندازیم تا روشن شود که آنها چنین کاری را می‌کنند و حتی با چنان روح چاکر پیچگی و صدفه خواهی در برابر صاحبان قدرت کریش می‌کنند و به شکل چند شکاری اقدامات آنان را تأیید می‌توانند؟
«باید خاطر نشان ساخت که مسئله تأمین حقوق سلب شده خلقهای کشور ما مد نظر رهبر انقلاب پرورش مردم قرار دارد. شخصیت ملی و سیاسی واقع بین انقلاب نیز در همین زمینه تکیه کرده اند. از جمله آقای «مؤید شایر» روی این موضوع تکیه کرد. (مردم شماره ۱۴ ص ۵)
و یا «با اعلان نظر دولت ملی بر ترویج خود مختاری برای ملیت ها و... (مردم شماره ۵ ص ۲) و... همه اینها نشان میدهد که ایشان برای نوع خود مختاری تلاش می‌کنند و سنگ چه چیزی را به سینه می‌زنند. ما در شرایطی که مکرر درباره مایه و محتوی واقعی این نوع خود مختاریها که مکرر در مکرر داده میشود سخن راند و نشان داده ایم که چگونه همه این شعارها در جهت ترویج توده ها و لاجرم ادامه سیاست شوینستی می‌باشند. تحلیل شرایط ویژه هر یک از طبقات ایران و تعیین شعار مناسب و منطبق بر این شرایط خامی جهت به حرکت در آوردن هر چه وسیعتر توده ها و آموزش سیاسی آنها و جلوگیری از نفوذ فئودالها و زمینداران است که نیروهای ملی می‌پایستی انجام دهند. و این درست همان موردی است که توسط خود حزب توده از قلم می‌افتد و در مورد شکوت اتحادیه می‌کند. آنها هیچ تحلیل مشخصی از خلقهای ایران و شرایط خاص که هر یک از اینها دارند و ارائه نمی‌دهند و نمی‌توانند بهیچ وجه به آنها درست یا جای پای صاحب نصیبان می‌گذارند. و نان به نرخ روز می‌خورند و آنها تنها زمانی حرف می‌زنند که شرایط ناچارشان می‌سازد. به عنوان مثال از خود مختاری در استان آلبه با همسان محتوی معلوم الحال اش حرف می‌زنند چرا که شرایط چنین ایجاب میکند ولی به هیچ وجه حرفی از بلخ و عرب و سایر خلقها نمی‌زنند.

حال اندکی به سیاست و روش ریزمر حزب توده در قبال مسئله ملی و بخصوص حوادث کردستان نظری بیکنیم تا چه سرودن هر چه عریان ترویج پرده تر در برابر دیدگان آشکار گردد.

سکوت خائنه و همگامی با صاحبان قدرت

در موردی هر چند اجمالی بروش و سیاست ریزمر حزب توده در قبال مسئله ملی، آنچه می‌بینیم که به طرز برجسته ای نمایان میشود و خود را از بالای موضع گیریهای آنان نشان میدهد. تلاش مذبوحانه ایست که بکار می‌برد تا آنجا که نتوانند در این مورد نیز مانند سایر موارد موضع را برگردانند. «آرام آرام و مود با ناکارزارش رده شد و مگر این خود را از زور خود جدی و انقلاب می، خلاصی دهند. آنها زیاده را آگاهانه بکار می‌گیرند تا از

یکطرف محض خالی نبودن عریضه موضعی گرفته باشند (در سطر بعدی توضیح بیشتری خواهیم داد) و از طرف دیگر برای اجتناب از طرح واقعی موضوع که میتواند سبب آزار گسی خاطر صاحبان قدرت شود، حتی حرفی هم از اصل مطلب بر زبان نمی‌آورند. بدین معنی که در شرایطی که حوادث کردستان و گنبد بارسنگی تمام در سطح کشور مطرح بوده و محور تمامی بحثها و گفتگوها توده ها گشته بود و در زمانی که سرفاله کلیه نشریات و حتی نشریات خود و بورژوازی و جناحهای رادیکال بورژوازی را بررسی حوادث کردستان و گنبد

- حزب توده خط و مقصد برای عنوان خود مختاری که تمام طبقات و صاحبان قدرت نیز آنرا قبل از این در دست می‌گیرند، نیز برای ترویج اصل آن.
- سکوت در برابر توطئه های صاحبان قدرت، بخاطر روش نفوذی و تعالی سیستم حکومتی خدای است به خلق.

تشکیل میداد، حزب توده چشمان خود را بر روی واقعیات بسته و در مورد چگونگی پیدایش این حوادث و وضع و خصوصیات نیروهای که در این مناطق میل میکنند، نقش و موضع دولت در این حوادث و... بمعنای واقعی لایزال نمی‌نگاشند و صلاح خود را این می‌بینند که هیچ حرفی نزنند. و درست در اینجاست که بهلولان بنه های لافزن که فضل فروشی و تشدید خود گردان روزمره شان شده و دستار روسی و در دست در اینجاست که چهره و ماهیت واقعی ایشان که با درازگویی های روشن گرانه با دغیب و در گلو می‌اندازند که ما «همواره از جنبش های ملی ایران را با راجعه جنبش کرد با تمام قوا حمایت کرده و می‌کنیم» و یا «حزب توده نخستین و تنها حزب سراسری ایران است که به طور بیگوارانه حق تعیین سرنوشت خلقی... حمایت کرده و حمایت میکند. و... و بطور واضح و به شواکاری معلوم می‌شود.

آری جریان واقعی زندگی در فعل نشان می‌دهد که چگونه این حامیان «سرسختان» جنبشهای ملی «آزاد سازنده» خاطر گشتن صاحبان قدرت به خاطر جلب نظر لطف و مرحمت آنها بر ارضی جنبش های ملی را فراموش می‌سپارند و تعیین تعیین سرنوشت خلقها را به دست می‌دهند. با نظریه اد می‌کنند بلکه به دست عناصر ارتجاع که امروزه لباس انقلاب بتن کرده اند و فتو الهیات تحویل میدهند. از جناب ارتش حرفی نمی‌زنند و... حتی بهیچراغی که توده ها را به رهبری می‌دهند و بطوری و انود می‌کنند که گویا دیگر مسئله ملی حل شده. «مردم ما از سندن به انگا، خلق کرد و همه مرد ایران حاد نه آفرینان راه سر جای خود نشانند در بر مایه داد لای که متضمن عده ترین خواست خلق کرد است با آلت الهی طالقانی به توافق رسیدند. (مردم شماره ۳ ص ۱) و یا خوشبختانه جبار زین کرد با هوشیاری و فدکاری تمام این توطئه را در راسم شکستند و موفق شدند. (همانجا) پس با بد این بهیروزی نوبت انقلاب را در کردستان که توانست است یک مسئله مهم و معضل راحل کند به همسریک کرد جشن گرفت. به این تعهد قطعی روشن چیز یادی نمی‌توان اضافه نمود. مایه همه جاز این انقلابی بهیرو آیت الله طالقانی و آیت الله العزالدین حسینی که توانستند این بر سر این صاف اسی به متوافق برسد تریک میگویند. (همانجا) در حالیکه همه میدانیم که این توافق چیزی نبود جز تلاش از جانب سیستم حکومتی برای آرام نمودن اوضاع و تشبیه موقعیت خود. و باز هم دستهای ناپاک در کردستان در کارند، فتو الهیات تر کساری می‌کنند و کمیت های انقلاب هم که «تحقیق آرمانهای خلق کرد را تضمین کرده اند» در نزد یکی ارگانیک و در اتحادی مستحکم با فتو الهاد مار اوزورگار خلق کرد می‌کنند.

در اینجاست که حمایت بیگوارانه تعیین سرنوشت خلقی در حرف جای خود را به حمایت بیگوارانه صاحب امتیاز اداری قدرت است. می‌دهد. «حمایت با تمام قوا از جنبش های ملی» جای خود را به تحفظ با تمام قوا از جنبش الیه تعجب نکند ریزمره های مردم ارگان مرکزی این حضرات را بردارد و ورق بزند و آنرا با سربازان می‌کشد که در این مدت منتشر شده و حتی اجمالی مقایسه ای بکنند تا واقعیت هر چه عریان تر روشن گردد. در طول بنگاه از واسط اسفند ما به بعد تقریباً اکثریت مطالب ریزمره ها نشریات و اعلامیه های نیروهای انقلابی را شرح بر روی حوادث کرد - نقش نیروهای موجود در آن موضع دولت در قبال این حوادث بیرون نداده است. آواز تاز آن موضع گیریهای نیم بند و بهیچو - می‌هم که آنان از روی ناچار بر روی کاغذ آورده اند و تعداد

نمونه‌ای دیگر از کتاب سوزان آدم در دوران انقلاب!

روژ جمعه ۸/۲/۵۸ عده‌ای افراد مارکزدار و شناخته شده در شهر به تظاهرات پرداخته و به کاپویشی ها حمله کردند و تمام کاپیها را بیرون ریخته و آنها را آتش زدند که باعث خسارات فراوان شد. البته هدف آنها کاپویشی های بود که کاپیهای کمونیستی به فروش می‌رسانند. در این حمله به کاپویشی ها افراد غرونده مورد ضرب و شتم این افراد قرار گرفتند و زخمی شدند. بعد از این واقعه عده‌ای از مردم خم آباد به اتفاق کتاب فروش ها به عنوان اعتراض به این اعمال ضد مردمی باستانداری رفتند که از طرف استانداری جواب درستی به آنها داده نشد و

۲- زمستانهای "هاشم آباد" که در ۳۵ کیلوتری ارومیه قرار گرفته و در این ده حدود ۱۰۰ خانوار زندگی میکنند از آنها تا حال ۳۳ خانوار بوسیله عادل بیگ و حاجی جمیل که ارباب ده هستند بیرون رانده شده اند. البته قبل از بیرون کردن نشان روستائیان برای اینکه بتوانند در ده بمانند به خریدن یک ماشین چپ برای ارباب که قبل از آنان خواسته بود جادرت میوزند و ارباب به این هم قانع نمیشود و به بیرون کردن نشان میرود از که با مقاومت روستائیان مواجه میشود ولی به دلیل اینکه اینها بوسیله اربابان اطراف توتی می‌شوند روستائیان ناچار به ترک ده میشوند. روستائیان میگفتند که ما حاضریم حتی زمینها را به ارباب بدهیم به شرط اینکه اربابها به گدازند ما در خانه های خود باشیم ولی باز راضی نیستند.

۳- روستای "سی گرگان" که در سی کیلوتری ارومیه قرار گرفته که ۶ خانوار از بوسیله ارباب از ده بیرون رانده شده اند. ۴- روستای "دستگر" که ۶۰ خانوار در آن زندگی میکنند و اربابها عبارتند از: "حاجی پیرکو" و "حاجی جوهر" که ۱۱ خانوار آن از ده رانده شده که ۲ خانوار زنیو و بقیه در دهات دیگر پیش خودشان فرار کرده اند.

۵- روستای "سید سر" که ۶ خانوار در آن زندگی میکنند از این ۶ خانوار ۲ خانوار ارباب و بقیه یعنی ۴ خانوار به بگری بوسیله اربابها از ده بیرون رانده شده و حتی خانه آنها به آتش کشیده شده است. اربابها عبارتند از: محمد خلیل و محمد قلیچ. ۶- روستای "بهره شیب" که تا بحال چند خانوار از آن بیرون رانده شده یکی از اهالی آنجا به دلیل آنکه علاقه به آنجا برده می‌راند و ده خوانده می‌شود ارباب مورد تهدید و بعد هجوم قرار گرفته اند عبارتند از: شاد قل، سه گیو، سه نو، و البته اکثر روستائیان که بوسیله اربابان بیرون رانده شده اند در شهرک زیو که قبل محل آوارگان ده های مرزی بودند هستند در آنجا اکثر خانه های روستایی در بین درویشها هستند و نیز برای تهیه نان و سایر مواد غذایی مجبورند به ارومیه و دهات دیگر بروند.

تذکر اینکه اکثر زمینهای را که ارباب از دهقانان گرفته شخم زده بودند و زمینهای را که گندم و یا جو در آن کاشته بودند، ارباب دلهای خود را برای چرا به آنها فرستاده و اربابهای دیگر که بیشتر مردم را تحت فشار قرار میدهند عبارتند از: حاجی سانی، رشید بیگ، که حاجی سانی چندی پیش یکی از روستائیان را خفه کرده بود.

۱- کلیه عواملی که در نابودی کشاورزی ما نقش داشته اند در دادگاه های انقلابی محاکمه شوند.

۲- ما خواهان افزایشهای برگ سبز جای ما نوجه به هزینه عوامل تولید هستیم.

۳- لغو یا خرد اقساط چکهای مربوط به اعلاسات و لغو بدهی های کشاورزان به اداره جنگلبانی و ترکتهای تعاونی

۴- تامین بهداشت و درمان و آموزش رایگان تسای سطح متوسط و همچنین تامین آب سالم و برق برای روستاها.

۵- جلوگیری از ورود مرکبات و برنج و جای خارجی در جهت کمک به محصولات داخلی و خرید به موقع و بهای مناسب محصولات کشاورزی و کوته کردن مدت واسطه ها تا هم بر ما اجاف نشود و هم با قیمت مناسب بدست مویشا ن عزیزان برسد.

۶- تقسیم اراضی بشیوه ای انقلابی. ۷- ممنوع دفع افات مرکبات و برنجوارها به موقع و به اندازه کافی در اختیار روستائیان قرار گیرد.

۸- وسایل و تکنولوژی روستائیان در اختیار روستائیان قرار داده شود.

۹- در پایان ما خواستار به رسمیت شناختن شورای ده خودمان از طرف دولت انقلاب هستیم.

"بوکان" جمعیت دفاع از محکشان و حقوق ملی نظامی بخان کله

مرکوب منطقه وسیعی است که در غرب ارومیه واقع شده که از چندین روستای بزرگ و کوچک تشکیل شده است و در این منطقه دانداری و کشاورزی به صورت ابتدایی باقی مانده، به جز مالکین و دهقانان مرغه که از سابق تقریباً مدرن برای کشت و زرع استفاده میکنند. در مرکوب محلاتی که روابط فئودالی و عشیره ای حتی بعد از اصلاحات ارضی باقی مانده است. دهقانان بصورتی گوناگون تحت فشار فئودالها که اکثرشان دست نشانده رژیم سابق بودند قرار دارند، به گفته اهالی این منطقه فئودالها حتی از دیر شدن مدارس جلو گیری میکنند و بدلیل فئودال عشیره ای آگاهی روستائیان در سطح بسیار پایین قرار گرفته. فئودالها هر وقت بخواد هند به غارت روستائیان میرود این بعد از قیام سلحانان ۲۱ و ۲۲ بهمن ایران و شکست آخرین نهادهای رژیم سلسله پهلوی فئودالها و عشایر مرکوب به خلع سلاح اکثریاسگاهها پرداخته که بیشتر مهمات و اسلحه نصیب آنان میشود. و بوسیله آن خود را آماده میکنند. دهات مرکوب از ۴۰ روز پیش مورد هجوم فئودالها قرار گرفته و از ۶ روستای این منطقه تا بحال حدود ۳۵ روستا غارت شده اند که در زیره بعضی از دهات غارت شده اشاره میشود:

۱- روستای "خوزی" که در فاصله ۳۰ کیلوتری ارومیه قرار گرفته و ۳۶ خانوار در آن محل سکنتی گزیده اند که ۶ خانوار آن فئودال هستند که عبارتند از "حاجی خالد"، سلیمان و تاج و محمد و عبدالله و خلیل دشتی، و به گفته یکی از اهالی حدود ۴۰ روز پیش آنان مورد حمله قرار گرفتند. البته قبل از بیرون کردن ارباب از آنها جریمه نقدی (به مقدار ۱۵۰۰۰ تومان از هر خانوار) و اسلحه خواسته که روستائیان به علت فقر مادی و نا حق بودن خواست های ارباب نتوانستند از عهده خواسته ها برآیند و منجر به اختلاف شدیدی بین ارباب و دهقانان میگردد که در این جنبان ۴ نفر از دهقانان با اسلحه فرار کرده و به دنبال آنان ۵ خانوار دیگر بعد از چند روز مقاومت بدلیل تقویت اربابهای ده از طرف (حسن خان دشتی و علیخان دشتی که از اربابهای اطراف بودند مجبور به ترک کاشانه خود میشوند و جمعا تا بحال ۶ خانوار از این ده بیرون رانده شده که ارباب بعد از بیرون کردن آنها مبارات به شکستن در و پنجره خانه هایشان میکند.

بایانه مردم روستائیان تواج رودسر

حال که انقلاب عظیم ایران با نثار خون هزاران شهید به پیروزی بزرگی دست یافته است و برای نخستین بار در ایران بهار آزادی فرا رسیده، حال که کلیه زمکشان ایران در طوع آزادی به سوی برابری و برادری و احیای مقام والای انسانیت گام برمی دارند، حال که مردم برخاسته اند تا حکومت زورگویان و خودکامگان را به زباله دانی تاریخ سپرند و مداخلت و مساوات و بکرتی را بجای آن بگزیند کنند. مساهل دهقانان و کشاورزان روستاهای بازشن، لانسک، کرباسرا و ترکوه از توابع رجم آباد شیرستان رودسر که از زمکشان ترس و محرومترین اقشار این مملکت هستند همگی خود را با کلیه کشاورزان و کارگران و دیگر زمکشان کشور اعلام نموده و هرگونه توطئه و نفاتی افکنی از جانبده انقلابیون را محکوم کرده و هم چنین برای نگهداری از دستاوردهای انقلاب و تسد و هم بخشیدن به انقلاب اقدام به تشکیل شوراهای دهفانسی نموده ایم. تا بدین وسیله وظیفه خویش را در توسعه و عمران روستاها و کمک به گام های سایر نیروها انجام دهیم. و خواسته های خود را به شرح زیر اعلام میداریم:

شان در مجموع از ۳ مورد فراتر نمی رود در جهت تأیید کامل صاحبان قدرت، توجیه و تأیید قبول ساختن سیاستهای نیم بند سیستم حکومتی برای توده ها، تأیید و تکرار طوطی وار و عده و بوعده های معلوم الحال که از طرف دولت داده میشود و خلاصه دعوت آنها به آرایش نه از موضع انقلابی بلکه در واقع باغب نشینی از خواسته های خود می باشد. در مورد حسودات کردستان که مدت ها بهترین موضوع سیاسی روز بود آنها تنها در مقاله، تحت عناوین غیر واقعی و قریب و هنده "خلق کرد سرنوشته خود را به دست میگرد" و پیروزی نوین انقلاب در کردستان "د مردم های شماره ۱۰۰ آورده اند که نتنها هیچ اشاره ای به خلق واقعی و اودت خونین کردستان و خصوصی نقی دولت در قبال این حوادث و... نشده، بلکه به عکس با جمله بردار بسیار لافانی هابی که خاص سیاستمداران بورژوازی و ویژه همه روزیونیستها و پیرونیستها است به تعلق و خوش خدمتی در مقابل سیستم حکومتی و قریب و تسکین توده ها پرداخته اند. در مورد گنده وضع از این هم بدتر است چرا که در امر سکوت گذاردن و تحریف واقعیتها و تأیید و تشدید سیستم، به برگرد جدیدی دست یافته اند. مادر زبیری که وکاست تمامی آنچه را که حزب توده نسبت به حوادث گنده عنوان نموده می آید و به تهرجه روشن تر اهمیت و محتوای تبلیغ و ترویجی که آنها از مسائل سیاسی برای توده ها میکنند، معلوم شود. البته بگذریم از اینکه این مساله سازشکارانه تر، و نیز از بیبرالی تر از حتی موضع خود سیستم حکومتی به واقعیت حوادث برخورد کرده و از اقدامات ضد خلقی و فاشیستی که به انتقاد نموده است، می باشد روح کارکنش و تبلیغی سراسر من را از گرفته تا آنجا که بیرونی اصل و واقعیت موضوع را غافل از حقوق خلقها جای خود را به تأیید و توجیه دولت و سرهم بندی قضا داده است و طبق معمول و بهیول و بهیوم نوشته شده، بطوری که نه باعث خشم و غضب صاحبان زبور و زور و نه از زور نموده های که اطلاع گردد، ما بهیتر مد اینم خود نوشته را بی هیچ گونه برخوردی از آنجا که خود نشانگر واقعیتی است که ما میخواهیم بگوئیم، باوریم - آفتاب آمد دلیل آفتاب.

"سراجنام حوادث خونینی که در گنده میرفت تا به جنگی منطقه ای تبدیل شود با روشن بینی در طرفت ختام پایان یافت. شان حفظ صلح موجود در منطقه، قطعنامه هشت ماده ای است که میبایست از هر دو طرف مورد احترام قرار گیرد. و نقی نشود، گزارشهایی در مورد بداخلات بی رویه برخی کمیته ها نیز در کنار اخبار مربوط به تلاش توطئه امیز عوامل رژیم گنده شده به ما رسیده است که بهیشتک با اعلام نظر دولت جنی بر خود مختاری برای ملت ها و بهیشتک سرکوب ضد انقلاب و ایجاد حسن نظام میان برادران ترکمن و غیر ترکمن مشکلات میتواند از بین بیروند (مردم شماره ۵ ص ۲)

۵ پایان سخن

در اعلامیه کمیته مرکزی تحت عنوان (تحلیلی از وضع انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما) چنین آمده است: رهبری بیکر، قاطع و آشتی ناپذیر استاله خینی در راه ریشه کن ساختن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیستی. وقتی اینچنین آشکار به تحریف میوسی ابتدایی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم پیروان توتوچا پلوسانه به رهبران خرد میروزی مرفه و سستی، آنها در کشوری که مناسبات سرمایه داری حاکم بوده و قول خودشان بهیشت از ۶ میلیون (طبقه کارگر و متحدین کمونیست - کیانوری) کارگر در بطن جامعه خود دارد، چنین عنوانی را میدهند مجبوریم قبول کنیم که کلیه وظائفی را که طبقه کارگر در انقلاب و مکرانیک پیش رو دارد، در چهارچوب نظام فعلی قابل حل است. و لا جرم دولت فعلی میتواند حقوق ملی خلق ها را تامین کند. در این حالت ما ناچاریم که در برابر واقعیات چشم فرو بندیم و لب از لب نکشایم. ذهن توده ها را مغشوش سازیم و هنگام و همصدا با صاحبان قدرت بهیشتک جنبش های ملی پرداخته، طوطی وار به تکرار گفته های آنان بپردازیم. و الحاق که حزب توده در این باره سنگ تمام هم میگذارد. آنان شبانه روز کوشش میکنند و عرق میریزند تا خوش خدمتی و لیاقت خود را برای دریافت صقه از دست پاک صاحبان قدرت به ثبوت رسانند. آری چاکر آبی و گدایی امتیازات دولتی، کار را به آنجا کشانیده است که آنها بپراحتی و با غرور و افتخار اصول اعتدالی را که بپان میبایند تحریف میکنند و آنرا بصورتی در میآورند که بهیشت پیروزی، خرد میروزی و صاحبان قدرت قابل قبول باشد. آنها تمام قدرت و نیروی خود را بکار میریزند تا کاری کنند که خاطر درشتندان را آزرده ن سازند و بهیشت جهت بقدرت از مارکسیسم - لنینیسم دور گشتانند. و در منجانب خبیثی در غلطیبد ماند که حتی کمتر از خود میروزی و خود صاحب قدرت را از آنها انتقاد میکنند.

اخبار و مبارزات کارگری

اخراج کارگران سده کارون مسجد سلیمان

شرکت سامرین بار ۲۱۳ از کارگران را اخراج نمود و این در حالی است که پیگیری در سطح کشور بیدار می کند و هر روز ایجاد گسترده تری می یابد.

این شرکت فرانسوی که پیمانکار سد کارون (مسجد سلیمان) بوده و از حدود ۱۰ سال پیش شروع به کار کرده است، در ابتدا تعداد نسبتاً زیادی کارگر داشت ولی با رسیدن به مراحل پایانی کار سد، کارگران را بتدریج بیرون می کشد. اخراج کارگران مخصوصاً در جریان امتحانات و قیام اربع گزفت به یون که بعد از قیام بیش از ۲۲۰ کارگری باقی نمانده بود. کارگران قبل از قیام با حد اقل مزایا اخراج می شدند. نژاد کارگران تا سه سال سابقه را با سالی ۱۲ روز و بقیه را با

سالی ۳ روز حقوق و مزایا محاسبه و اخراج می کردند. که چون این اخراجها به صورت دسته های کوچک بود و ضمناً سروکار کارگر در صورت حق طلبی با ساواک و ۱۰۰۰ می افتاد به اعتراضات به جانی نمی رسید. علیرغم قتل و قراردادهای شرکت مبنی بر اینکه کارگران باقی مانده را اخراج نخواهند کرد، شرکت تصمیم میگیرد که کار را تعطیل کند و در سه نوبت: ۷/۱۲/۲۹ و ۵/۸/۲۲ و ۵/۸/۲۳ و بالاخره در ۵/۸/۲۳ کارگران را اخراج و به «از» یکماه حقوق در برابر هر سال سابقه کارگران را به تصفیه حساب فرا می خواند. که البته کارگران قبول نکرده و خواستار سالی سه ماه حقوق هستند.

از عید به اینطرف کارگران بارها از طریق نامه نگاری و فرستادن نماینده به به شکایت برخاسته اند و چندین بار در مقابل اداره کار مسجد سلیمان اجتماع کرده و یا نمایندگانی به

اهواز فرستاده اند. تا آنجا که بالاخره اداره کار تحت فشار کارگران قبول می کند که روز شنبه ۵/۸/۲۹ نماینده کارفرما را در محل حاضر کرده و در برابر اینصورت رای غیابی صادر کند.

روز شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر حدود ۱۵۰ نفر از کارگران در اداره کار جمع میشوند و در نمایندگی شرکت به شک و نفر فرانسوی و یک نفر ایرانی به نمایندگان کارگران وارد مذاکره میشوند که تا ساعت ۹ شب طول میکشد ولی شرکت تنها حاضر به پرداخت ۴۵ روز حقوق در سال میشود ولی چون به مخالفت کارگران مواجه میشود موضوع را به دادگاه حل اختلاف رجوع میدهند. در اینجا عده ای از کارگران مسئله گروگان گرفتن نماینده شرکت را طرح میکنند که نمایندگانشان ترجیح میدهند که ابتدا مراحل قانونی را دنبال کنند و چنانچه نتیجه ای نداد در تکرار به ای دیگر باشند.

راپیمایی کارگران پیکار

گزارشی که در زیر میخوانید توسط یکی از کارگران بیکارمه آباد نوشته شده و بدست ماریده است. ظاهر اداسی نوشته را برای ما بران داشت که بدون تغییر در جمله بدیدهایش بخشی از آن را عیناً نقل کنیم.

در روز ۵۸/۲/۱۷ بعد از سه روز که در کلوب تربیت بدنی جمع می شدیم، هر روز تعداد کارگران افزوده می شد، که بر ششامه های صندوق بیکاری را به ما دادند.

۹۵٪ کارگران دفترچه بیمه ندارند و بیمه بیکاری ندارند و کارگری که خانوارش نفی دارد با ۱۰۰ هزار تومان چک کار می تواند بکند کارگران اعتراض داشتند و همین دلیل تصمیم گرفته شده برای ناداری برون و فرماندار را بگیریم تا حقوق با معیار دیگر ما به همه پرداخت شود در این راه ما هزارانی کارگری را از کارگاه داده می شد به سرپرست کارگران بیکارند - همه کار می نمودند، دولت باید کار بدهد به وضع ما رسیدگی کند، کارگری بزرگ، زمختی که دوشهر، توت و پور از دست رفت، سبزه سبزه را به کار می نمود، راست می کند چون فقر را را، میفروشد و به کار می نمود کارگری بزرگ، زمختی که دوشهر، روزی که کارگاه همه با هم برویم، جلودار این برویم، باید یک کارگران با دانی بزرگان، با قدرت و روشنگران، بهره می کنیم جگر خود را بفران.

در سال شهادت دوشهر و طرفدار کارگاه می آمد می نمودند، آنها می گفتند که "ما نماینده کوشش و تلاش بدیده شده و بدیده شهر و میفروشد حق کارگر شهری را بگیرد" و این ترتیب می خواستند بین کارگری ستانی و کارگری شهری اختلاف پیدا دارند، ما سوال کردیم چرا انقلاب شده؟ جواب دادند چرا، گفتیم خوب، این ترتیب دولت و بولشاک که حق کارگری را چه روستایی و چه شهری بدهد، می بایست زمین های دشت را از دست میزبانان، زمین آورده و به کوشش و تلاش کارگری داد تا این ترتیب کارگری روستایی نصیب شود به شهر آمد و میبوی از اجتهاد باقی بماند.

سرمایه داران فراری توطن می چسبند

اخیراً "سرمایه داران وابسته فراری، جهت هماهنگ نمودن مقاصد ضد انقلابی خود در مورد کارخانه ها و سرمایه ها - بی که در ایران دارند، در یاب و جلیله ای ترتیب می دهند، به این جلیله سرمایه داران جانیکاری از قبیل علی رضایی، خیامی، ارجمند و... شرکت داشته اند.

در همین رابطه یکی از همین سرمایه داران فراری، از مدبران کارخانه اش در ایران، درخواست داشت که کلیت کمپانیهای را که به ایران مواد اولیه وارد می کنند، برای ش فرستاد شود. تا از طریق بند بست با کمپانیهای ذی ربط جلو ورود مواد اولیه را گرفته و بالا اقل قیمت های آن را افزایش دهند. اینکه در سال جاری قیمت مواد اولیه بیش از ۵٪ - بود چه کارخانه ها را به خود تخصیص میدهند، گویای همین امر است.

خبرهای از اهواز

نیروگاه رامین در ۳۰ کیلوتری اهواز بین مسجد سلیمان و اهواز قرار دارد. این نیروگاه بزرگ شامل ۱ واحد می باشد که بوسیله پیمانکار روسی ساخته میشود. کارفرمای اصلی آن هم روس است بنام مهندس زیتسکی - از روز شنبه ۵۸/۲/۲۲ حدود ۲۰۰ کارگر دست به اعتصاب زدند. خواسته های آنها در حد افزایش حقوق، مدت مرخصی سالانه و حق اولاد میباشد. شنبه شب این کارگران در نیروگاه گرد آمدند و هیچکس را هم به داخل نیروگاه راه ندادند. مثلا یکشنبه ۵۸/۲/۲۳ مهندسین و تکنیسین های توانورا به نیروگاه راه ندادند. فرماندار هم به یکشنبه پانچا رفته است ولی هیچگونه نتیجه عملی گرفته نشده است.

مهندس زیتسکی هم در این روز به نیروگاه رفت و رفتار بدی با کارگران داشته است (همانطوریکه از یک روز پیش است انتظار می رود). کارگران تصمیم دارند یکشنبه به طسرف استاندارد را میبایستی کنند.

من یک کارگرم!

برای حکم کردن صنوف انتقوب برگزیده و در روزی فاشیست را فاش نمایم

نامه ای که اکنون پیش روی شماست، توسط یکی از کارگران قهرمان ذوب آهن اصفهان نوشته شده و سپس توسط "دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" تکثیر و در سطح محدودی پخش شده است. با توجه به محتوای آن و روح انقلابی که از کلمه به کلمه متن نامه تجلی یافته است، درج شام و شام آن را در اینجا آمیزده می دانیم.

مس یک کارگرم

روسا! منمک دانشجوهای اصفهانی دانشکده علوم صنعتی را! حاضر را! منمک و از سرگرتسی نندارم! جاسم را فدای مبارزان واقعی میهن خواهم نمود! اخرا گروهی که خود را دانشجویان مسلمان اصفهانی دانشکده علم و صنعت معرفی کرده اند مطالبی دور از حقیقت و تحریف است در مورد حوادث اصفهان اختیار داده اند تا از احساسات مذهبی مردم سوء استفاده نمایند. اینها سعی کرده اند با یک تیر دو نشان بزنند یکی بدنام کردن مهندسان، تکنسینها و کارگران مبارز ذوب آهن و دیگری بدنام کردن دانشیان خلق و گروههای انقلابی دیگر، از حادثه بولاد شیر، واحد مسکونی ذوب آهن اصفهان آغاز میکنند که هیچ کس از واقعیت آن اطلاع نداشته و بولاد شیر و تلویریون سانوری و دروغ برادر اصفهان سیاری و مدد گروهی از دانشجویان اصفهانی علم و صنعت دست به دست هم داده اند تا بحال واهی خود منهن پرستان و اتوطله گر حساب آورند، که این مسئله در اعلامیه ها بیان نمیشود. اما واقعیت را فقط ما کارگران ذوب آهن و ساکنین بولاد شیر می توانیم توضیح دهیم آن دانشجویان مسلمانی ناشی که از فاصله ۵۰ کیلومتری به دروغ پردازی دست میزنند.

مهندس رحمانی یکی از معدود مهندسان مبارز انقلابی ذوب آهن بود که با توجه به عقایدش یعنی اعتقاد به انقلابی ترس طبقه سوبن کارگران از مدتها پیش زیر نظر بود. و سرانجام در تاریخ ۵۸/۲/۸ چند نفر مسلح از طبقه کارکنان ذوب آهن اصفهان جهت سوء تعدی دانشجویی نامبرده به منزلش حمله و زمین خوردن و ابتداء از مسلح به بهانه ای به او مراجعه میکنند. وقتی مهندس رحمانی متوجه خطر میشود در آن بر روی خود می بندد که با شلیک زن مسلح مواجه میشود و تیر شلیک شده به کتف مهندس رحمانی اصابت میکند. از سوی دیگر ما موران دیگر کمیته به تصور اینکه تیر شلیک شده از سوی مهندس رحمانی بوده اقدام به سرانندازی میکنند که در نتیجه چند گلوله به زن مسلح اصابت میکند و موجب کشته شدن او میشود. در این میان برادرشورهای این زن بسوی او می نشاند که او هم مورد اصابت گلوله، با وانش قرار میگردد همزمان با این حادثه چند نفر از دیگر مهندسان، تکنسینها و کارگران شناخته شده در منزل و محل کارشان دستگیر میشوند و سپس آقایان دانشجویان از فاصله ۵۰ کیلو - متری افراد دستگیر شده را توسط گر می نامند، اما حقیقت را هرجه خواهند وارونه جلوه دهند سرانجام خود را رسوا خواهند کرد. زیرا که با تحقیق و بررسی دادگاه انقلاب و مقامات صالح، بی گناهی مهندس رحمانی و سایر دستگیرشدگان به وضوح روشن و نامبردهگان تیریه و آزاد گردیدند و معلوم شد که تنها توسط گرتسودند بلکه دستهای نامرئی خدا انقلاب بود که بر علیه آنکس توسط می چید.

حادثه دیگری در اطاق دو دانشجو در اصفهان اتفاق افتاد. دانشجویان، مدرسه هتکام خشتی بدون بمبی که در زمان رژیم سابق ساخته شده بود دچار حادثه شدند. نکته قابل توجه این که بمب هنگام خشتن در منزل آنها منفجر شده نه جای دیگر. و دروغ پرستان سبترسین فرستار پیدا کردند تا با خطر علاقه مندی دانشجویان میزور نسبت به سازمان چریکهای فدائی خلق نام این سازمان

مهندس رحمانی یکی از معدود مهندسان مبارز انقلابی ذوب آهن بود که با توجه به عقایدش یعنی اعتقاد به انقلابی ترس طبقه سوبن کارگران از مدتها پیش زیر نظر بود. و سرانجام در تاریخ ۵۸/۲/۸ چند نفر مسلح از طبقه کارکنان ذوب آهن اصفهان جهت سوء تعدی دانشجویی نامبرده به منزلش حمله و زمین خوردن و ابتداء از مسلح به بهانه ای به او مراجعه میکنند. وقتی مهندس رحمانی متوجه خطر میشود در آن بر روی خود می بندد که با شلیک زن مسلح مواجه میشود و تیر شلیک شده به کتف مهندس رحمانی اصابت میکند. از سوی دیگر ما موران دیگر کمیته به تصور اینکه تیر شلیک شده از سوی مهندس رحمانی بوده اقدام به سرانندازی میکنند که در نتیجه چند گلوله به زن مسلح اصابت میکند و موجب کشته شدن او میشود. در این میان برادرشورهای این زن بسوی او می نشاند که او هم مورد اصابت گلوله، با وانش قرار میگردد همزمان با این حادثه چند نفر از دیگر مهندسان، تکنسینها و کارگران شناخته شده در منزل و محل کارشان دستگیر میشوند و سپس آقایان دانشجویان از فاصله ۵۰ کیلو - متری افراد دستگیر شده را توسط گر می نامند، اما حقیقت را هرجه خواهند وارونه جلوه دهند سرانجام خود را رسوا خواهند کرد. زیرا که با تحقیق و بررسی دادگاه انقلاب و مقامات صالح، بی گناهی مهندس رحمانی و سایر دستگیرشدگان به وضوح روشن و نامبردهگان تیریه و آزاد گردیدند و معلوم شد که تنها توسط گرتسودند بلکه دستهای نامرئی خدا انقلاب بود که بر علیه آنکس توسط می چید.

حادثه دیگری در اطاق دو دانشجو در اصفهان اتفاق افتاد. دانشجویان، مدرسه هتکام خشتی بدون بمبی که در زمان رژیم سابق ساخته شده بود دچار حادثه شدند. نکته قابل توجه این که بمب هنگام خشتن در منزل آنها منفجر شده نه جای دیگر. و دروغ پرستان سبترسین فرستار پیدا کردند تا با خطر علاقه مندی دانشجویان میزور نسبت به سازمان چریکهای فدائی خلق نام این سازمان

مهندس رحمانی یکی از معدود مهندسان مبارز انقلابی ذوب آهن بود که با توجه به عقایدش یعنی اعتقاد به انقلابی ترس طبقه سوبن کارگران از مدتها پیش زیر نظر بود. و سرانجام در تاریخ ۵۸/۲/۸ چند نفر مسلح از طبقه کارکنان ذوب آهن اصفهان جهت سوء تعدی دانشجویی نامبرده به منزلش حمله و زمین خوردن و ابتداء از مسلح به بهانه ای به او مراجعه میکنند. وقتی مهندس رحمانی متوجه خطر میشود در آن بر روی خود می بندد که با شلیک زن مسلح مواجه میشود و تیر شلیک شده به کتف مهندس رحمانی اصابت میکند. از سوی دیگر ما موران دیگر کمیته به تصور اینکه تیر شلیک شده از سوی مهندس رحمانی بوده اقدام به سرانندازی میکنند که در نتیجه چند گلوله به زن مسلح اصابت میکند و موجب کشته شدن او میشود. در این میان برادرشورهای این زن بسوی او می نشاند که او هم مورد اصابت گلوله، با وانش قرار میگردد همزمان با این حادثه چند نفر از دیگر مهندسان، تکنسینها و کارگران شناخته شده در منزل و محل کارشان دستگیر میشوند و سپس آقایان دانشجویان از فاصله ۵۰ کیلو - متری افراد دستگیر شده را توسط گر می نامند، اما حقیقت را هرجه خواهند وارونه جلوه دهند سرانجام خود را رسوا خواهند کرد. زیرا که با تحقیق و بررسی دادگاه انقلاب و مقامات صالح، بی گناهی مهندس رحمانی و سایر دستگیرشدگان به وضوح روشن و نامبردهگان تیریه و آزاد گردیدند و معلوم شد که تنها توسط گرتسودند بلکه دستهای نامرئی خدا انقلاب بود که بر علیه آنکس توسط می چید.

کارگردان ذوب آهن

داستان ہفت خوان رستم یا وضع کارلیران ذوب آہن اصفہان

اعلامه ای با اسامی هسته " وحدت کارگری " - زوب - آهن، بتاريخ ۵۸/۲/۲۰ پخش شده است که در آن به مشکلات و دردهای کارگران زوب آهن اشاره شده است اعلامیه ابتدا هفت خوانی را که بیانگر سدهای است که در مقابل کارگران ایجاد میشود بر میسردهد. خلاصه - اترا در زیر میزیم :

خوان اول: انتصاب میردردی بنام "محمدعلی متقی
که چون بختی خدای فرستاده امام هوم است کارگران با-
مید اینکه وی همی کارگران باشد باورا قبول میکنند
خوان دوم: میردردی علاءقشاهای قبلی را توسط
همان عناصر مزدور قبلی ادا ده میدهد
خوان سوم: روبریز سر کمانی که چون بنی صدر و
آیت الله طاهری و غرور پدا میشود که به کارگران می گویند
کار کنید کار کنید
خوان چهارم: پاد از گذشته

عده ای سپاز را که بعنوان کارآموزی به کارخانه آورده اند در یکی از روزهای که کارگران برای احقاق حقوق خود اعتصاب کرده بودند، مسلح میکنند و آنها اطراف کارخانه را محاصره میکنند

خوان پنجم : امروز از اینکه در خواستهایمان ()
 ساعت کار در هفته ... دست شوی و حمام ... وسایل ...
 اینی و (...) جز یکانه روزی در سال را ندرام ... سا-
 واکي ما ویز ویز گذشت خودشان را به کینه معرفی کرده
 و کارگرفته اند و باز کارگران را سرکوب میکنند . کلا بها
 میگفتند «خالگر» حالا میگویند «کوشیت» ... آنها
 نیگدازند که در اطراف کارخانه کسی نمیشود کارگری بخرد
 خوان ششم : یک عده میخواهند شرایطی را که ما بطور
 دسته جمعی برای نظارت بر سرزنش خود کارگران در-
 دست کرده بودیم ... با استفاده از سادگی کارکنان بهم -
 زنند ... آنها خواستند طوار جمع کنند و مهندسین اهلی
 در اداره با تحمیل کنند که چون با اشغالی ما مواجه شدند
 کارشان را با استفاده از نام امام و اینکه باید حرف امام را -
 گوش کرد عملی کردند ...

عنوان هفتم: کارگران اتحاد مبارزه امام دارد.
ما کارگران با سه سالهی سازش و اختناق و فشار در مقابل سر نیزه و گلوله مبارزه کردیم و شهید دادیم و عیسی چیزها یاد گرفتیم، ما حالا مدیانه که حق گرفتاری است نداریم، ما حالا مدیانه که اگر با هم ضد شوم چه نیروی بزرگی را تشکیل میدهیم، ما حالا مدیانه که آزادی کارگران فقط دست خود کارگران میسر است و باید مبارزه را ادامه دهیم که ما دانسته ایم که هر نماینده ای که خواهد آمده خوار شود و دیگری باشد در میان ما جایی ندارد.

در این هارزه ما باید نه تنها خواسته‌های خود را مطرح کنیم بلکه باید بفکر دیگر زحمتکشان نیز باشیم. ولی ما میدانیم که تنها ضمن اجرایی این خواسته‌ها اتحاد ما کارگران ایران و هارزه و در کنار دیگر هارزان است. خواسته‌ها، حداقل ما، عبارتند از:

- ۱- استقلال برای ایران و شناخت حق حاکمیت برای خلق های مختلف ایران. (کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و غیره...)
- ۲- ملی کردن سرمایه های امپریالیست ها و ترکان در ایران.
- ۳- تصفیه ادارات، کابیناها و اجتهاد، از افراد دزد و سواکی و ضبط اموال آنها برای کارگران بیگار.
- ۴- آزادی کامل مقبده، بهمان، قلم و اجتهادات.
- ۵- قانونی شدن سرهرا و اجتهاد های کارگران و همه طبقات اشرار حاکم.

۶- نظارت کارگران بر امور اقتصادی و اداری کارخانه .
۷- جلوگیری از افزایش احتکار و سود جویی .
۸- تامین حداقل دستمزد برپایه زندگی راحت و شرافتمندانه ، و بالا بردن مزد کارگر به نسبت گران شدن اجناس .
۹- تعیین ساقین کارها به نظر کارگران ، بر بدنه اشتغال .
مخمس سابقین نه برپایه همه کارگزاران دولت ، ۱۰ ساعت کار در هفته ، و روز تعطیل در هفته ، کسر نکردن مالیات بر پرداخت محاسن و مزایا در مواقع بیماری و تا پایان مدت درمان ، بیمه ای کامل .

- ۱۰- مسکن مجانی ، درمان مجانی ، آموزش مجانی حرفه و سود برای کارگران .
- ۱۱- آزاد بودن اعتراض و قانونی بودن اعتصاب .
- ۱۲- دخالت نکردن پلیس و ارتش و سازمانهای پلیسی (نظیر ساواک و . . .) در کار کارگران ، بدخلت نکردن دولت و کارفرمایان در امور داخلی کارگران .
- ۱۳- دافتر نمودن دست شویی ، حمام ، رخت گن ، رستوران ، مهد کودک و محل اخذ وامی از کارخانه .
- ۱۴- دادن کفش و کلاه ایمنی و تأمین کامل امنیت کار .
- ۱۵- ایجاد شرکتهای تعاونی کارگران .
- ۱۶- پرداخت حقوق حقیقی .
- ۱۷- بستن کارخانگان بملایم (با قرارداد) یا به نام

چرا کارگران بیکار میشوند؟ *

برای کارگزارانیکه اخراج شده‌اند و با ر خطرات اخراج قرار دارند دانستن اینکه چرا کارگران را اخراج می‌کنیم بسیار مهم است. در کشورهای سرمایه‌داری اخراج با سیاست کارگر همیشه با آن رهروست این مسئله در کشورهای تصادفی نیست، ایران هم یک کشور سرمایه‌داری وابسته به خارجمان است و همچنین علت های اخراج در کارگران هم در کشورهای سرمایه‌داری بقرار زیر

۱- دستگاهها و ماشین آلات جدید و بهرشته‌جا-
ماشین‌های ات قدیمی‌تر می‌شوند. ماشین‌های اتوم-
بیل جدید به‌کار بیشتری را بطور سریع‌تر انجام می‌دهند ولی
اد کارگر کمتری می‌خواهند. مثلاً با ورود ماشین‌های
عکس‌برداری و دوربین‌های جدید چاپ به‌آسان-
تر و زیاد از کارگران حرفه‌ای چین بکار و اخراج شدن و یا
بی‌انها را تهدید می‌کند.

در جامعه سرمایه داری روابط طوریستند که متناقض و پراکنده است. ماشین آلات جدید که به طور پیاپی به وجود می آید، باعث افسردگی و بیکاری می شود، این مسئله در گذشته شدیدتر بود که کارگران که هنوز به ماشین آلات جدید دست نرسیده بودند، علت بدبختی خود را ماشین آلات جدید می دانستند. یکی شکلی یکی از شکلی های تازه بود. این مشکل امروزه از روی ناگاه، صورتی گرفت و بعدها کارگران را بدبخت کرد. ماشین ها عامل بدبختی کارگران نیستند، بلکه سرمایه داری و وجود روابط سرمایه داری در جامعه رنج و استثمار آنهاست. کارگران رفته رفته اکثر رنج و بدبختی که در زندانشان بود، بی برند و بی باز-گانه باخته و تیرگی زیادی نیز بدست آوردند.

۲ - سرمایه‌داران ، برای بدست آوردن سود - کاهشی در قیمت ، وقتی به کالا مردم نیاز بااراست ، سرمایه‌دار دست به تولید آن می‌زنند ولی چون معلوم است که بازار چقدر احتیاج دارد ، تولید آن حساب و شمار ندارد . خلاصه آنکه تفکرم بد - طرفه‌سای - تیکتی ، تفاوت بر شیوهی داشت و این کالا را تولید کرد ، تمام بازار را پر کرد بطوری که در آخر همه - ساء - آن پاشن افتاد و دیگر خریداری برای آن پیدا نمی - شود . اولین کسانی که بازار را در فروش آن باست - شده - بودند ، اولین کسانی که خیلی بیشتر از حد معمول دست - لیکن آن بزنند تا جایی که در آینده بازار تا اولین روز - و دیگر برای آن خریداری نباشد . در جامعه سرمایه - داری ، هر کس در تولید کالا وجود دارد ، گاهی سی - خوب است و گاهی بد . پس کارخانه زمانی تا تمام کار می‌کنند و کارگران مشغول بکارند و زمانی تا تمام بازار بخرند و کارگران اخراج می‌شوند . در - جامعه سرمایه‌داری است که وقتی تولید زیاد شود بحران ایجاد می‌شود . این بحران از چیزهای علاج نشدنی - در سرمایه‌داری است یعنی بیکاری و اخراج ، گاه و بگاه بحران در تولید کالا وجود می‌آید . زیاد شدن - کالا که بد در دست رفاه و سعادت جامعه باشد - سه روزی و فلاکت‌نوده هائی عظیم کارگران می‌شود . هر چه وسع تولید ، کالا بیش از اندازه تولید می‌شود ، بیکاری را هر گاه می‌خواهند تا کالا بی‌فروش بماند ، تعدادی از کارگران اخراج می‌شوند . این کارگران - ج می‌شوند خودشان از بازار خرید می‌کردند و حالا پولی در دست ندارند . این خرید بیش از پیش - بود می‌شود و در نتیجه کاهای بیشتری در بازار پاش - و به اصطلاح بازار کساد می‌شود . دهای از سرمایه -

نویسنده حاضر بخشی است از مقالهای تحت عنوان "گزارش
شماره کارگران گیلارد سیستم در شوشتر همراه با توضیح
بیماری" که چندی قبل توسط "دفتر سیاسی طرفداران
کارگر - مسجد سلیمان" انتشار یافته است.

ندام غیر رسمی دیگر)
رسیدگی بهوش کارگران بیمار و از کار افتاده.
ایجاد سرویس مرتب برای رفت و آمد کارگران
جلوگیری از اخراج کارگران و پرداخت کامل حقوق و
ی کارگران در مواقع بیماری.

کارگران برودتهای آمادان و حومه سخن میگویند.

در اثر مجاهدت و غذاکاریهای قهرمانانه کارگران و کشتان و دیگر اقشار جامعه، نظام جهنمی محمد رضا شاه الهدانی تاریخ سپرده شد، ما کارگران پرویزای که بخش از نیروی سازنده اقتصاد این مرز و بوم هستیم در امر

داران که وضع مالی ضعیفتری دارند نیز ورشکست می‌شوند و در کارخانه هایشان را می‌بندند. بخشی از سرمایه داران دیگر هم که برای آنها مواد خام و لوازم مورد مصرف دیگر تولید می‌کردند نیز سرمایه دارانی که کارهای مورد نیاز خود را از آنها می‌خریدند، دچار درد سر می‌شوند و این درد سر روزتر از همه به کارگران منتقل می‌شود وباعث اخراج آنها می‌گردد.

۳- سومین دلیل اینکه کارگران در رژیم سرمایه داری همواره در معرض تهدید خارجار قرار دارند وجود دستمزد غیرعادی پایین است که باعث می شود برای کارگران به صرفا استفاده از دستمزد بالا و رفاهات اجتماعی و خدمات رفاهی کارگران در تمام کشورهای سرمایه داری، بانکداری بزرگ، بیمه کارگران وجود دارند. بسیاری سرمایه داران امکان می دهد دستمزد کارگران را به حد قابل کاهش دهند و حداکثر بهره کشی را از آنها بکنند. در ضمن برای عاملی است که سرمایه داران برای ایجاد فقر و تنگنا میان کارگران از آن استفاده می کنند. کارگران هیچوقت فراموش نمی کنند که رژیم شاه خائن برای شکستن سندسوزها و افزایش تعداد بیمه کارکنان بیشتر از صد هزار کارگر خارجی به کارگزاران مثل کارگر نفتی افغانی و غیره، به تخصیص دادن کارگران ملی به صنعتی و وارد ایران کرده بود. سرمایه داران سعی می کنند که بهین کارگران بکار و آنها که سرکارند رفاهت بوجود بیاورند تا هم از وحدت ملی جلوگیری کنند و هم کارگران را دانا نیندازند. از طرفی را به سکوت در مقابل شرایط سخت کار وادار نمایند. از طرفی بعد از اصلاحات رفاهی و آزادی و آگاهی شاعران، دهنزداری از کشوربان بکارگزار شده و برای پیدا کردن کار به شهرهای صنعتی و کارخانجات هجوم آوردند و در پشت در کارخانجات در صف ایستادن طولانی و انتظار کار ایستادند.

[illegible]

۴- در کشورهای مثل ایران گسره‌های دایره‌ای و به‌دوره علاوه بر مسائل بالا مشکلات و بحرانهای کشورهای دیگر، سرمایه‌داری، آمریکا و اروپا و ژاپن نیز به ایران منتقل می‌شود و هر بحران در کشورهای مختلفی را برای کارگران خود به‌بار می‌آورد، مثلاً «اضراب کارگران کارخانه کربلای گلستان» تولید کننده موش‌پیکان است می‌رفت کمیته‌متحد کارخانه ایران، تاسیسات و همکاری کارگران آن منجر شود به اذیت و تحقیر کارکنان و به‌دشمنی در جامعه سرمایه‌داری به‌کار آید» -
رابطه‌های عادی و صلح ناپذیر است. و تا رژیم سرمایه‌داری است به‌کار نیز وجود دارد. ولی همکاری در جامعه ایران علاوه بر دلایل دیگری نیز دارد.
در مبارزات یکساله اخیر، به‌ر اثر اضمحلال فرار سرمایه و حاکمیت و تاسیسات و به‌لای کلیگی کارخانه‌ها، امور اقتصادی و سیاسی و تاسیسات شد.

سرماپدران سعی کردند فشاری را که آنها وارد می‌کردند با استفاده از کارگران متقاعد کنند. اولین کار آنها این بود که از پرداخت حقوق کارگران خودداری کنند. با این چند راه اخیر تعداد کارگرانی که پرداخت حقوقشان قطع شده است به ۳ میلیون می‌رسد. سپس مثله اخراج دستجمعی کارگران و بستن کارخانه‌ها به پیمان می‌آید. بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل و کارگران آن اخراج شدند و بسیاری دیگر از تعداد افراد مشغول بکار کاسته شدند.

بیشتر انقلاب نقض بزرائی داشتیم نمتها در اوضاع واحوال
فعلى فراموش شده اهلک هر نوع فرياد حق طلبى ما بشدت
سرکوب و ارزش انساني ما مورد اهانت و بهيحرمتى قرار گرفته
است

چه کسانی توطئه می کنند؟؟ و آیا تن در دادن به شرایط و قوانین ضد کارگری که از سوی سرمایه داران و کارفرمایان اعمال می گردد، توطئه است؟؟؟ آیا زحمتکشان جدا افتاده اند؟؟ بهندیشم که در این رابطه منافع و جدالگریهای چه کسانی در خطر است؟؟؟ آیا تبلیغات «سوء» علیه ما کارگران پرتویژه ای از جانب این عوامل متجمع که همانا قدرتمندان رژیم سابق اند می توانند درست باشد؟؟

بعد از توافقات میان ایران و عراق در سال ۱۹۷۵ ماهیت ارتجاعی غاشنه و وابسته به امپریالیسم دارد و دسته ملامطی با رزانی برای ناآگاهان نیز برمسلا شد. ملامطی دیگر قادر نبود خود را بعنوان رهبر ملی کردهای عراق جا بزند. روابط او با شاه ایران، اسرئیل و آمریکا افتاده بود و در چنین حالتی علم کردن ملامطی بعنوان رهبر کردستان عراق دیگر کاراقله ای نبود. از طرف دیگر بی عملی هم شیوه درست و مغفولی برای امپریالیست ها و بویژه امپریالیسم آمریکا نمیتوانست باشد. آنها نمیخواستند که جنبش کردمجدداً و این بار در شکل مترقیانه اش اعتلا یابد. ولی علیرغم میل آنها مبارزین کرد بتدریج ارگان خود را در "اتحادیه میهن کردستان" بازسازی کردند. و این خوشایند امپریالیست ها و مرتجعین بومی نبود. آنها سازمانی را میخواهند که سرخشنود در دست خودشان باشد تا هر وقت که اراده کردند از آن بهره برداری کنند. و در مواقع بسیار حاسن توسط آن به جنبش خلق کرد عراق ضربات کاری بزنند. درست مانند زمانیکه توافقات میان ایران و عراق امضا شد. امپریالیسم آمریکا دست به کار شد و سازمان جابرسی "سپاه"، با همکاری "ساواک" "میت" "ترکیه" و "موساد" اسرئیل، با مطلع سازبان "قیاده موقت" (رهبری موقت) را برهبری ملامطی با رزانی، تأسیس نمودند. اولین جلسه "قیاده" در سال ۵۷ در کرج تشکیل شد. "قیاده" در آغاز فعالیت خود را تحت نام "بهرمگره ای" و بدون اینکه وابستگی خود را به ملامطی با رزانی عنوان بکند، در منطقه "هلهله" عراق شروع کرد. و پس از چندی به شکار میهن پرستان کرد پرداخت.

در زمان شاه جلال، فعالیت "قیاده" بهیشتند در نواحی مرزی کردستان ترکیه، ایران و عراق صورت می گرفت. و پس از اینکه شاه غاشن توسط خلقهای دلا و ایران سرنگون شد، از آنجا که بخوبی می دانستند بزرودی ایران از وجود کشیشان پاک میشود. شروع به سازماندهی به تشیبات ملی و مذهبی نمودند. "پشتیانی" خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند و خود را مبارزین سیاسی ای نامیدند که از دست فاشیستهای بعثی عراق با ایران گریخته اند و اینکه بهیچ وجه جای نگرانی و اضطراب خاطر برای ایران نیست. اسماء آنجا که ما بهیث مرتجعان نامردمی این را برای خلق ستم دیده کرد ایران روشن بود دست فاشی هرچه بهیشتند این داروسته مزدور ردند. "قیاده موقت" که اکنون دیگر تحت رهبری دوش از فرزندان ملامطی بنا میهای "ادریس" و "مسعود" فعالیت میکرد در کلیه نوا هرات و میهنیگهای که از طرف کردهای ایران مورت میگرفت محکوم میشد. و مردم خواستار اخراج این مزدوران از ایران میشدند. خواستهای خلق کرد در شعارهای چون "دارو دست قیاده" - رهنجی کوردی به باد (دار و دست قیاده) - رنج خلق کرد را در دادند. "کی" بوسلمانی کوش، کی بوسکوی رازی کوش، کی بودکوش شوانی کوش - قیاده بو. قیاده - داروسته قیاده (کی بود سلمیان) (مبیتی) را کشت - کی بود سگویی (شریف زاده) جوان را کشت - کی بود دکتر شوان (از مبارزین کرد ترکیه) را کشت - قیاده بود، قیاده - داروسته قیاده. (منکنس میشدند. اما "دولت انقلاب بی موقت" نه تنها قاطعانه به مقابله با "قیاده" اقدام نکرد و به خواست توده های زمینکن کرد پاسخ مثبت نداد بلکه با سازکاری و نرمی که از خود نشان داد و حتی برخی همکارها و همکارها با "قیاده" "قیاده موقت" را جری تراخت. بطوریکه امروزه "قیاده" با کمک فئودالهای مرتجع، و مزدوران رژیم پیشین که هنوز بسیاری از سمت های دولتی را در دست دارند به توطئه و حیانت بر علیه مردم کردستان ایران و مالا بر علیه کلیه خلقهای ایران شد و حدت بیمناکیای بخشیده است.

"قیاده" اکنون به شناسایی، قتل و غسارت مبارزین و میهن پرستان کرد پرداخته است. و به هر کس که بخواد با مهر کمونیست وزن بورش میبرد. مقرر اصلی "قیاده" اکنون در "فرمی" قرار دارد، زمانیکه رژیم شاه قدرت را در دست داشت چه از لحاظ مهمات و چه از نظر آذوقه و ... "قیاده" را تأمین میکرد. ولی اکنون "قیاده" با گرفتن باج از مردم و از منابع

قیاده موقت را بشناسیم

اخیر "قیاده" اشاره میکنیم:
۱ - مفروب و مجروب نمودن دو نفر معلم با ساسی عبدالله نژادینان و هما یون کدازگر در "وله زیست" به تاریخ ۵۷/۱/۱۲ و مفروب و مجروب نمودن دو رشید نوروزی - پس از بازرسی خانه او - در آبادی "گور - گای" به تاریخ ۵۸/۱/۱۹، بطوریکه نامبرده بختری میشود.
۲ - خلق سلاح "اتحادیه دهقانان میروان و وژرا" "میان" در دهات "چور"، "ننه"، "چلاک"، "سه - ژشمار" و غرب و جرج دو دهقان از آبادیهای "گور - گای" و "آلشانه".
۳ - ضبط کتابهای یک معلم در آبادی "سه ژشمار" که با اکتشافت مردم روبرو میشود و بفرار مجبور میگردد.
۴ - کارکنانی و اخلاص در هنگامیکه روستایان مشغول جمع آوری کمک برای مردم سندج که مواجه هجوم ارتش "ملی" شده بودند.
۵ - ایجاد رعب و وحشت در برخی از دهات و از جمله "سول آباد".
۶ - ارتباط با کردهای مرتجع عراق و همکاری با آنها در ایجاد بلوا، آشوب، غارت، مصادقه و تالان و غیره رهبر شاخه نظامی "قیاده" در میروان، با رئیس جاشا و در "هلهله" (شهری در کردستان عراق) بنام "رشی صالح" در ذمه رابطه برقرار نموده و "رشی صالح" قبول کرده است که زخمی های "قیاده" را در "سی ساق" و "هلهله" عراقی معالجه کنند.
۷ - رهبر فرقه پنج (سبع) گروکوشی را به نام "سامی" (افسر فدائیات) مامور کرد شش مقدار ۱۱ هزار دینار عراقی را بپن "قیاده"، ساواکی های فراری و بعثی ها تقسیم کند.
۸ - "غدر و بختی" اهل پنچون (شهری در کردستان عراق)، که رابطه محمودی (معاون ساواک) با نه (و بزرگی (معاون ساواک میروان) است عدد ای از ساواکی های فراری را از پنچون به گروکوش برده است. این فرد همچنین رابطه بپن "قیاده" و "خاله هورامی" می باشد.
۹ - در حال حاضر لیستی از طرف "قیاده" بسیاری تعقیب و مجازات افراد مبارز منطقه تهیه شده و بهمین

۱۰ - کره خر - مزدور
۱۱ - کره خر - مزدور
۱۲ - کره خر - مزدور
۱۳ - کره خر - مزدور
۱۴ - کره خر - مزدور
۱۵ - کره خر - مزدور
۱۶ - کره خر - مزدور
۱۷ - کره خر - مزدور
۱۸ - کره خر - مزدور
۱۹ - کره خر - مزدور
۲۰ - کره خر - مزدور
۲۱ - کره خر - مزدور
۲۲ - کره خر - مزدور
۲۳ - کره خر - مزدور
۲۴ - کره خر - مزدور
۲۵ - کره خر - مزدور
۲۶ - کره خر - مزدور
۲۷ - کره خر - مزدور
۲۸ - کره خر - مزدور
۲۹ - کره خر - مزدور
۳۰ - کره خر - مزدور
۳۱ - کره خر - مزدور
۳۲ - کره خر - مزدور
۳۳ - کره خر - مزدور
۳۴ - کره خر - مزدور
۳۵ - کره خر - مزدور
۳۶ - کره خر - مزدور
۳۷ - کره خر - مزدور
۳۸ - کره خر - مزدور
۳۹ - کره خر - مزدور
۴۰ - کره خر - مزدور
۴۱ - کره خر - مزدور
۴۲ - کره خر - مزدور
۴۳ - کره خر - مزدور
۴۴ - کره خر - مزدور
۴۵ - کره خر - مزدور
۴۶ - کره خر - مزدور
۴۷ - کره خر - مزدور
۴۸ - کره خر - مزدور
۴۹ - کره خر - مزدور
۵۰ - کره خر - مزدور
۵۱ - کره خر - مزدور
۵۲ - کره خر - مزدور
۵۳ - کره خر - مزدور
۵۴ - کره خر - مزدور
۵۵ - کره خر - مزدور
۵۶ - کره خر - مزدور
۵۷ - کره خر - مزدور
۵۸ - کره خر - مزدور
۵۹ - کره خر - مزدور
۶۰ - کره خر - مزدور
۶۱ - کره خر - مزدور
۶۲ - کره خر - مزدور
۶۳ - کره خر - مزدور
۶۴ - کره خر - مزدور
۶۵ - کره خر - مزدور
۶۶ - کره خر - مزدور
۶۷ - کره خر - مزدور
۶۸ - کره خر - مزدور
۶۹ - کره خر - مزدور
۷۰ - کره خر - مزدور
۷۱ - کره خر - مزدور
۷۲ - کره خر - مزدور
۷۳ - کره خر - مزدور
۷۴ - کره خر - مزدور
۷۵ - کره خر - مزدور
۷۶ - کره خر - مزدور
۷۷ - کره خر - مزدور
۷۸ - کره خر - مزدور
۷۹ - کره خر - مزدور
۸۰ - کره خر - مزدور
۸۱ - کره خر - مزدور
۸۲ - کره خر - مزدور
۸۳ - کره خر - مزدور
۸۴ - کره خر - مزدور
۸۵ - کره خر - مزدور
۸۶ - کره خر - مزدور
۸۷ - کره خر - مزدور
۸۸ - کره خر - مزدور
۸۹ - کره خر - مزدور
۹۰ - کره خر - مزدور
۹۱ - کره خر - مزدور
۹۲ - کره خر - مزدور
۹۳ - کره خر - مزدور
۹۴ - کره خر - مزدور
۹۵ - کره خر - مزدور
۹۶ - کره خر - مزدور
۹۷ - کره خر - مزدور
۹۸ - کره خر - مزدور
۹۹ - کره خر - مزدور
۱۰۰ - کره خر - مزدور

جهت بسیاری از مضمین روستا های میروان و خوف دارند که بروسنا های محل کار خود بروند.
۱ - مزدوران "قیاده" در تاریخ ۵۸/۲/۶، آبادیهای "قیاده موقت" با جنگ ساواک، میت ترکیه و موساد اسرئیل، با همکاری ملامطی تأسیس گشت.
۲ - قیاده موقت با مرکز گشت میهن پرستان را مرکب میکند و دولت موقت بجای مرکب قیاده با آن سازش نشان داده است.

"چور" و "ننه" را محاربه و اهالی را خلق ملامطی کردند.
۱ - مزدوران "قیاده" هنگامیکه اتحادیه دهقانان میروان به روستایان آواره "سرا دوست" در فاشیه که توسط اربابان جاشا و آواره شده اند، با اسلحه پنج خود روی آذوقه، کمک میکنند، با آنها حمله کرده، خود رو - ها را توقیف کرده، تحویل کمیته مضطربانه میدهند.
۲ - قیاده موقت با سپهبدان لبریا و ساواکها همکاری در منطقه و سردار جاف (برادر سالار جاف) را به رابطه دارد. و از سازمان امنیت عراق کمک مای میگیرد.
اینها بود نمونه های از کارها و اقدامات "قیاده" در منطقه. حال به برخی ارتشها و وابستگی "قیاده" یا شمشیرهای مرتجع در کردستان ایران و بزرگ فئودالها ... توجه کنید:
۱ - در سطر ملامطی شامی بطور علنی از "قیاده" و محمد صدیق خان سرکرده اربابان غوغا در منطقه پشتیانی می کنند و برای آنها با کمک امام جمعه، شهر اسلحه فرستاده است.
۲ - "هزاره" رهبر شاخه سیاسی قسطنطنیه "قیاده"، در کمیته مضطربانه دیده شده است.
۳ - "مکتب قرآن" میروان که عمدتاً از اربابان و سا - واکیهای و پیشین شکل یافته، در بنیه شاره، دوم نهم اسلامی و فرهنگیان میروان، در تاریخ ۵۸/۱/۲۱، علناً از "قیاده" حمایت میکنند.
۴ - "مکتب قرآن" میروان، چنین است: ۱ - ملا ابراهیم مردوخی: جاسوس بعثیهای عراقی در "سپاه" و عامل ساواک که افراس احتیاج زبورداری "سولوا" گرفته است.
۵ - محمد دانشور: رابطه "مکتب قرآن" و "قیاده" ترجمی که خرابکاری در جریان تخمین دهقانان "میلو" در میروان معروف خاص و عام است.
۶ - در برابر درستیهای فاش و رحمان عبیدی ویدرشان که عمده فعالیتها بپن بر علیه کمونیستهای میروان است.
۷ - در پنا به بدنبند گودا (از مومع حزب دگرات کردستان در ملامط) قیاده موقت را شنید مشاهده کنید: در میهنیگ که برای تدفین با رزانی مزدور مورت گرفت، یکی از کارهای حزب دگرات کردستان به دارو و دسته "قیاده" حمله میکنند، ولی دکتر فاسلو رسامی گوید: این نظر تهمی نامبرده میباشد، نظر حزب غیر از این است.

رئوف خان شاه پرست و "محمد صدیق خان جاف" غارتگر و جانباں شهر است.
۱ - اسماعیل آقا عباس فرزند محمد عباس سناتور انتصابی (چند دوره شورای) و سرسپرده خاندان پهلوی.
۲ - آتای قهری از مشورتین خاندانی منطقه.
۳ - حاج طالب احمدی: دوست صمیمی آتای پهلویان رئیس ساواک سقز. آیا ترکیبی این چنین شناخته شده جز ایجاد یک نیروی "تجاوز حقن" دهقانان ستمدیده و احیا "دوباره استبداد و ارتجاع" بطور دیگری می تواند داشته باشد؟
اینان که چیره خواری و تکرری جز خصلت طبقاتیشان میباشد تصمیم می گیرند از روز ۵۸/۲/۲ به بهانه انتحار دتر شورا در شهر سقز با ایجاد راه پیمایی دست یک مانور نظامی از تختک جی های اجیر شده خود به منظور قدرت نمای و آزادی بخش توانایی خشن در جهت تحقق بخشیدن اهداف پلیدشان بزنند تا این بار چیره خوارج قدرتی باشند که با هویتاری انقلابی مردم سقز سخن میگوید. در این تاکامی مردم سقز را تهدید به دادن درس میزند پس از پایان حوادث نطقه می نمایند. آیا ارتجاع و یادی امپریالیسم اینبار سقز و بانه را بر سر ای ایجاد حوادثی نظیر آنچه در سندج و نطقه شاهدش بودیم و هستیم برگزیده است؟
ما از تمامی مردم ایران و دولت و کلیه نیروهای شرقی و مرکزی می خواهیم که آگاه و هشیار باشند مردم مبارز و زمینکن آن سامان را در جهت سرکشی این خائنان و آلک دست ارتجاع و امپریالیسم یاری دهند. و اجازه ندهند بار دیگر نقطه آغاز ایران عزیز قربانی توطئه های خونی و پراگنده ای معلم الحال گردیده و خون برادران و زن و کودک بیگانه ریخته شود.
هده ای از دانشجویان کرد مقیم مرکز ۵۸/۲/۱